

# بازتاب اخبار و گزارش عملکرد موسسه دارالمعارف شیعی

زمستان ۱۳۹۱  
دی ماه

أخبار دسنه



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

روابط عمومی و امور بین الملل

## شبهه در وجود حضرت رقیه (س) !!



استاد حسین انصاریان: گاهی درمورد وجود حضرت رقیه (س) شبهات و تردیدهای مطرح می‌شود که نام ایشان در اکثر کتب بهمراه ویا نامهای مشترک و مشابهی در آنها به چشم می‌خورد که با توجه به آن نمی‌توان به طور حتم بر وجود دختری به این نام اطمینان داشت.

در پاسخ باید گفت:

عدم ذکر نام «رقیه» در برخی متابع تاریخی نمی‌تواند دلیل بر خلافه بودن این شخصیت باشد؛ چرا که وجود نامهای اشتبه‌واری (کنیه و لقب) در کنار نام اصلی افراد از رسومات رایج عرب است و همان گونه که عده‌ای معتقدند، حضرت رقیه (س) همان فاطمه صغیری است که نامش در بسیاری از تواریخ ذکر شده است. علاوه بر اینکه بر نام «رقیه» در کتاب شریف لهوق سید بن طاووس و نیز سایر کتب تصویر شده است، مرحوم شیخ علی قلسی در کتاب «حضرت رقیه (س)» می‌گوید در پیش از بیست کتاب، نام ایشان را رقیه دیده است.

در کتاب معالی السبطین حائری آمده است: «کللت للحسین (ع) بنت صغریه... تسمی رقیه و کان لها ثلاث سنین»<sup>(۳)</sup>. تعبیر «تسمی رقیه» نشان دهنده این مطلب است که «رقیه» نام اصلی ایشان بوده بلکه به این اسم معروف بوده است. این این مخفف نیز در مقتل الحسین درباره وداع حسین بن علی (ع) می‌نویسد: «ثم نادی يا ام کلثوم و يا زینب و يا سکینه و يا رقیه و يا عائمه و يا صفیه...»<sup>(۴)</sup>.

در کتاب احقاق الحق نیز آمده است: «ثم نادی يا ام کلثوم يا سکینه يا رقیه يا عائمه يا زینب يا اهل بيته عليکن مني السلام...»<sup>(۵)</sup>. خرابه‌ای به شرافت رسیده تا ملکوت

از محکم ترین دلایل وجودی حضرت رقیه (س)، وجود بارگاه ملکوتی آن نازد ائمه سید الشهداء (ع) در شهر شام (در کشور سوریه) است که به گفته بزرگان و اهل معرفت، نمی‌تواند ساختگی و دروغ باشد. ممکن نیست خداوند به یک خرافه، این همه جلالت و عظمت و کرامت عنایت کند. عبدالوهاب بن احمد شافعی مصری معروف به شعرانی در کتاب «المن» می‌نویسد: «نزدیک مسجد جامع دشوق، بقمه و مرقدی است که به مرقد رقیه بنت الحسین معروف است. به روی سنگی که در درگاه آن واقع است چین نوشته شده است: «هذا البیت بقمه شرفت بال النبی (ص) و بنت الحسین الشهید رقیه (س)»<sup>(۶)</sup>.

در کتاب منتخب التواریخ نیز آمده است که مزاری که در خربه شام است منسوب به مزار رقیه بنت الحسین است. از دیگر وقایعی که دلیلی محکم بر صحبت استاد این مزار شریف به حضرت رقیه (س) است استان آب گرفتگی مزار مطهر ایشان در حدود سال ۱۲۸۰ هجری است که طی آن سید بزرگواری بنام سید ابراهیم دمشقی از نوادگان سید مرتفقی علم الهدی از جانب حضرت، مأموریت پیدا نیکند تا آب گرفتگی قبر مطهر را چاره کند و ایشان نیز بعد از صلاح اندیشی با بزرگان و اهل علم به این امر مبادرت می‌کند و یادن و کفن سالم حضرت مواجه می‌شود که در میان آب است. پس از آن قبر مطهر را تعمیر و مرمت می‌کنند. نتیجه سخن آنکه وجود حضرت رقیه (س) را نمی‌توان انکار کرد و آنچه بیامون آن حضرت مطرح می‌شود نباید به راهی برای خدشنه دار شدن منزلت آن حضرت در میان ارادتمندان اهل بیت (ع) تبدیل شود. در هر صورت به کراماتی که از آن حضرت در طول سالیان متواتی متوجه شیعیان شده است را نمی‌توان به چشم می‌توجهی نگریست.





پایگاه فبدی تحلیلی ابنا

دی

۱۴۰۹

۵

## استاد انصاریان: ماهواره عاملی برای ایجاد اختلاف بین مذاهب است



به گزارش خبرگزاری اهلیت(ع) - ابنا - «جتح‌الاسلام والملمین حاج شیخ حسین انصاریان» در مسجد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان آیات و احادیثی از پیامبر(ص) و امامان، درباره تاثیرات زیان‌بار ماهواره بر از هم پاکیدگی بینان خطاوه ها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارایه داد.

وی افزود مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روزبه روز محکم‌تر و دشمنان اسلام را ناامیدتر می‌کنند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق(ع) که می‌فرمایند، بداخل‌الاقی و تندی از ویزگی‌های دشمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان‌ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی اعلام کرد: اخلاق حسن مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه‌هایست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نیاهی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی داشت و خاطرنشان کرد: خداوند و انبیا به ما دستور داده‌اند که در دانش تصریب نداشته باشید و به هر علمی از هر شخص و هر دینی از هر کجا در دنیا چنگ زنید و بیاموزید و از آن سود بزرد.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



بعد از ساعت ۲۰:۵۹

تاریخ: ۱۶ شهریور ۱۳۹۱ | GMT 04:58 - 08:29:42

دی

۱۴۰۹

۵

هدیه‌گاری قرآنی ایدان ایگان

**ماهواره ابزاری برای ایجاد اختلاف بین مذاهب از سوی دشمنان است**

گروه اجتماعی؛ یکی از مدرسان حوزه علمیه قم با بیان اینکه دشمنان از اوایل انقلاب قصد بهره بردن از تفاوت منذهب میان ملت مسلمان ایران را دارند، ماهواره را یکی از ابزارهای در دست آنان برای دامن زدن به این امر عنوان کرد. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکتا) شعبه کردهستان، جدت اسلام والملسمین حسین انصاریان، یکی از مدرسان حوزه علمیه قم در مسجد امام حسین (ع) شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان ایات و احادیثی از پیامبر (ص) و امامان خاتم‌الاکمال را از تأثیرات زبان‌بار ماهواره بر از هم پاشیدگی بنیان خانوادها و بهویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردهستان آگاه کرد.

وی افراد مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر (ص) و توحید و اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روز به روز محکم‌تر و دشمنان اسلام را نا امیدتر می‌کنند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق (ع) که می‌فرمایند: بد اخلاقی و تندی از وزیرگاهای دشمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان‌ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی عنوان کرد اخلاق حسن مایه رشد و پیشرفت انسان در تمدنی زمینه‌هاست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

وی در بیان مطالعه و کسب دانش را از وظایف خلیفه‌های اسلامی دانست و خاطرنشان کرد خداوند و ایشیا به ما دستور داده‌اند که در دانش تعصب نداشته باشید و به هر علمی از هر شخص و هر دینی از هر کجای دنیا چنگ زنید و بیاموزید و از آن سود ببرد.



درویش دارالعرفان  
درویش دارالعرفان  
درویش دارالعرفان



## انصاریان: ماهواره عاملی برای ایجاد اختلاف بین مذاهب است



یک استاد حوزه و دانشگاه گفت: دشمنان از اویل انقلاب قصد بفرمودن از تفاوت مذهب در بین ملت مسلمان ایران را دارند که ماهواره یکی از لبازهای آنها بوده است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (سنا) منطقه کردستان، جنت‌الاسلام والملمین حاج شیخ حسین انصاریان در مسجد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان ایات و احادیث از پیامبر(ص) و امامان، درباره تاثیرات زبان‌دار ماهواره بر از هم پاشیدگی بیان خانوادها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارائه داد.

وی افزود مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روزبه روز محکم‌تر و دشمنان اسلام را نالمددتر می‌کنند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق(ع) که می‌فرمایند، بداخلی و تندی از ویژگی‌های دشمنان خداوند است، بیان کرد ارتباط انسان‌ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی اعلام کرد: اخلاق حسنہ مایه رشد و پیشرفت انسان در تعاضی زمینه‌هایست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی دانست و خاطرنشان کرد: خداوند و انبیا به ما مستور داده‌اند که در دانش تعلص نداشته باشید و به هر علمی از هر شخص و هر دینی از هر کجای دنیا چنگ زنید و بیاموزید و از آن سود بزریم.



درویش دارالعرفان

میرکو علمی تحقیقاتی دارالعرفان



آخرین نسخه ۹ دی ۱۳۹۱

جستجو در تمام اخبار ...

اخبار خفاف مخفف رسانی

## انصاریان: ماهواره عاملی برای ایجاد اختلاف بین مذاهب است

۱۴۰۹

دی

۵



به گزارش خبرگزاری اهل بیت(ع) - اینا - «جتحت الاسلام والملمین حاج شیخ حسین انصاریان» در سوچد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاقی بیان آیات و احادیث از پیامبر(ص) و امامان، درباره تأثیرات زیان بار ماهواره بر از هم پاسیدگی بنمان خانواده ها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارایه داد.

وی افراد مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روزبه روز محکم تر و شمنان اسلام را ناممیتوانند.

انصاریان با اشاره به این حدیث از امام صادق(ع) که می فرمایند، بداخلانی و تندی از ویژگی های شمنان خداوند است، بیان کرد: ارتباط انسان ها برای محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی اعلام کرد: اخلاق حسته مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه هاست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی داشت و خاطرنشان کرد خداوند و انبیا به ما دستور داده اند که در دانش تعصب نداشته باشید و به ...



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

پنجه اطلاع رسند و تمثیل

## حضرت استاد حسین انصاریان

WWW.ESFAN.IR - WWW.ANSARIAN.IR

فنا کرید نفع اللائمه صحنه سعادتی مفاتیح العین مفاتیح العین سخنوارها



پایگاه اطلاع (سلامی استاد انصاریان)

دی

۱۴۰۹

۷

### استاد انصاریان: ماهواره عاملی برای ایجاد اختلاف بین مذاهب است



یک استاد حوزه و دانشگاه گفت: دشمنان از اولین انقلاب قصد بهره بردن از تفاوت مذهب در بین ملت مسلمان ایران را دارند که ماهواره یکی از ابزارهای آنها بوده است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه کردستان، استاد حسین انصاریان در مسجد امام حسین شهرستان کامیاران در باب اخلاق با بیان ایات و احادیث از پیامبر (ص) و امامان، درباره تاثیرات زیان‌بار ماهواره بر از هم پاشیدگی بنیان خانواده ها و به ویژه نسل جوان و ایجاد اختلاف بین مذاهب و بیشتر از همه در استان کردستان توضیحاتی ارائه داد وی افراد مردم همیشه در صحنه ایران با عشق به پیامبر، توحید، اسلام و ولایت فقیه وحدت خود را روزیه روز محبک‌تر و دشمنان اسلام را ناممی‌نامند می‌کنند.

استاد انصاریان با اشاره به لین حدیث از امام صادق (ع) که می‌فرماید، بداخلی و تندی از ویژگی‌های دشمنان خداوند است، بیان کرده ارتباط انسان‌ها بر پایه محبت، رحمت، عشق، شوق و مهر است.

وی اعلام کرده اخلاق حسنی مایه رشد و پیشرفت انسان در تمامی زمینه‌هایست و این همان رسالتی است که خداوند متعال در راستای رسیدن به کمال نهایی بر عهده انسان قرار داده است.

این استاد حوزه در ادامه مطالعه و کسب دانش را از وظایف خطیر هر انسانی دانست و خاطرنشان کرد خداوند و انبیا به ما نسخه داده‌اند که در دانش تعصب نداشته باشید و به هر علمی از هر شخص و هر دینی از هر کجای دنیا چنگ زنید و بیاموزید و از آن سود ببرید.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شاخمه‌های برتوی اصحاب امام حسین(ع) بر دیگر شهدای تاریخ



مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی با اشاره به روایتی از پیامبر اکرم(ص) شهدای کربلا را برتر از شهدای تمام تاریخ بشریت دانست و گفت: در حادثه بی‌نظیر کربلا ۷۲ تن، شیوه عملی امامتشناسی را به منصه ظهور دستانند. به گزارش راسخون به نقل از فارس، استاد حسین انصاریان مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی در دوین کنگره حماسه حسینی با محوریت اخلاق و معنویت با اشاره به اینکه بعد عرفانی ۷۲ انسان بی‌نظیری که حادثه عظیم کربلا را به وجود آورده، از نظر خالق روشن است، اظهار داشت: آن چیزی که باعث شد ۷۲ بار امام حسین(ع) به اوج برستد، عرفان و شناخت آن‌ها بود وی این شناخت را حاصل عکس العمل ۷۲ تن در شب عاشورا به سخنان ایوب‌الله الحسین(ع) داشت و افزود: آنچه باعث برتری آن هاشده، وجهه امامتشناسی آن‌ها است. چرا که این اعتقاد عظیم معنوی، ۷۲ تن را به جایی رساند که برای تاریخ، بی‌نظیر و بی‌نمونه معروفی شوند.

استاد انصاریان با اشاره به زیارت ناحیه امام زمان(عج) و سلام حضرت حجت(عج) برای برخی از باران امام حسین(ع)، خاطرنشان کرد: یکی از باران امام حسین در شب عاشورا خطاب به مولای خویش گفت: اگر فردا ۷۰ بار من را گشتند و خدا من را زنده گند من هرگز دست از شما بر نمی‌دارم و شما را تنهای نمی‌گذارم. این جملات «سلم بن عوسجه» اوج معرفت یک انسان به امامش را نشان می‌دهد.

### «مطلع الفجر واقعی چه کسانی هستند؟

وی با تأکید بر اینکه برای شناخت عرفان این ۷۲ تن توجه به اعمال، رفتار، گردار، صحبت‌ها و برخوردهای آن‌ها لازم است، ادame داد از وجود شهودی این ۷۲ تن عرفان کاملاً قابل به دست آوردن است، عرفانی که توأم با عشق آشیان و غیرقابل سرد شدن است، ۷۲ تن عارف عاشق، عارف و اصل و مجدوب سالک بودند.

این عاشورابرخواه بیان داشت: در کربلا اوج همه حقایق الهی و انسانی از مشرق وجود ۷۲ تن حلوع کرد و آن‌ها مطلع الفجر واقعی هستند که اسماء الهی و صفات پروردگار از آن مطلع الفجر طالع کامل داشته است.

وی با بیان اینکه هر کدام از این ۷۲ تن «کتمان‌للّه» جامع بودند، افزود پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: آقای همه انسان‌های اولین و آخرین، شهدا هستند و آقای همه شهیدان اولین و آخرین شهادی کربلا هستند و آقای شهادی کربلا، حسین من است. دقت کنید که پیامبر چه نگاهی به این ۷۲ تن داشتند که این شهدا را آقای شهادی اولین و آخرین معروفی می‌کنند.

استاد انصاریان با اشاره به مراحل تعیین و زمین و مکان ساخت سد و تولید برق از توربین‌ها، اظهار داشت: زمین کربلا نسبت به تمام زمین عراق در پایین ترین سطح از دریا قرار دارد و امام حسین(ع) در گوہال قتلگاه شهید می‌شود، خداوند متعال توربین‌های نور دهنده بین دنیا و آخرت را این ۷۳ تن قرار داده و رحمت خویش را نثار این ۷۲ تن بار امام حسین(ع) می‌کند، به عبارت دیگر این ۷۲ تن برقی را که از خداوند می‌گیرند، به تمام جهان پخش می‌کنند.

وی با اشاره به بعد اخلاقی ۷۲ بار شهید امام حسین(ع) ادame داد: از روز دوم تا دهم محرم اگر تکنک افراد امام حسین(ع) را نگاه کنید، سراسر دلسوزی و مهربانی در اخلاق آنان تبلور یافته است، حتی هنگامی که به میدان نبرد می‌روند رجزهای عالمانه، حکیمانه و عارفانه می‌خوانند و رجزهای حمامی بیان نمی‌کرند و اینها همه نشان‌دهنده اوج کرامت اخلاقی آن‌ها بود که به جای هزینه کردن خشونت، کینه و نفرت فقط مهر و محبت را نثار می‌کرند.

ادame در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شاخصه‌های برتری اصحاب امام حسین(ع) بر دیگر شهدای تاریخ



ه گران‌ترین آب دنیا کجاست؟

این عاشوراییروه با اشاره به اخرين لحظات زندگي امام حسین(ع)، تصریح کرد در آن لحظات آخر هنگامی که تشنجی زیاد بر آن حضرت غلبه کرده و از نبرد هم خسته شده بودند، نیزه خود را در خاک فرو کرده تا اندکی استراحت کنند، عمر بن سعد با دیدن این صحنه، به یکی از لشکریان خود دستور می‌دهد که به سوی امام حمله ور شود و کار او را یکسوزه کند.

وی در ادامه افزود: قردمهاجم به سوی امام حمله ور شد و امام در مقام مقابع از خود برآمد و یاری راست مهاجم را قطع کردند در این هنگام امام از سبب پیاده شد و بالای سر مهاجم رفت و فرمود: می‌خواهم تو را به خیمام ببرم تا زخمیت را مدوا کنم، قردمهاجم گفت: نه! القوام من در لشکر عمر بن سعد هستند، آنها را صدا بزنند! این ماجرا نشان از پایانی بود که اخلاق از سوی امام حسین(ع) تا اخرين لحظات دارد.

استاد انصاریان با اشاره به ماجراهای جوشیدن آب زمزمه از زیر یاری حضرت اسماعیل(ع)، بیان داشت: خداوند رحمت خودش را در سه ماهگی بر اسماعیل نازل کرده خداوند به خاطر تحمل تشنجی امام حسین(ع)، رحمتی را برای او قرار ناد که قیمتی ترین آب در جهان است. آبی که در دلها می‌جوشید و از چشميه لشکرها جاری می‌شد، این آب عامل بخشش، شفاقت و مغفرت است.



دارالعرفان

موسسه دارال المعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



بروز روزانہ

صفحہ پاکستان

لیست و درجہ

200

بڑا

↑

(12130) سیاسی

(4352) خیری

(2440) موسیقی

(46575) عکسی

(1054) فلم

(24297) ترجمہ

(13126) اخوت

(11938) فلم

(7058) تحقیق

(246294) کتب

مکالمہ

موسیقی

(5181) کاریو

(314) شرف

(7933) لیکھن

(25560) سفر

(314) حیوانات

(155) طبقات

(3085) جواد

(36995) عربی

(7415) شاعر

مکالمہ

## روضہ جانسوز و مجلس استثنایی شیخ حسین انصاریان

۱۴۵۹۱

دی

۸



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
درستگان علمی تحقیقاتی دارالعرفان

دیطوا

۱۴۰۹

دی

۸

کلیپ روضه شنیدنی عصر عاشورا - استاد شیخ حسین انصاریان



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



پایگاه اطلاع (سلانی) عقیدق

دی

۱۴۰۹

۱۵

## اربعین حسینی (ع) هیئت کجا برویم؟

عقبق: چهل روز از وداع جانسوز حسین (ع) و زینب کبری (س) می گذرد چهل روز عاشقان حسینی سیه پوش و داغ دار جانه تلخ و جانگذار کریلاشد و چهل روز است خیمه های حسینی برای مانده تا همندردی کند با حضرت صاحب الزمان (عج)

مسجد شهید بهشتی  
سخنران:  
استاد حسین انصاریان

ملحق:  
کریلانی مهد الوبیان - حاج محمد منطقی

زمان:  
 ساعت شروع ۳۰/۷ با مدد روز اربعین

مکان:  
 خیابان پیروزی خیابان نبرد مسجد شهید بهشتی



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## صبح اربعین به هیئت محبان الائمه خانی آبادنو بروید

عقیقیه مناسبت فرا رسیدن صبح روز اربعین حسینی (ع) هیئت "محبان الائمه مسجد جامع ولیعصر(عج)" اقامه عزا می کند.

به گزارش عقیق این مراسم که با حضور حواضران، برادران در هیئت "محبان الائمه مسجد جامع ولیعصر(عج)" واقع در خانی آبادنو برگزار می گردد.

این مراسم به شرح ذیل می باشد:

قرابت زیارت عاشورا: حاج حسن صفریان

سخنران: استاد شیخ حسین انصاریان

مداح: حاج عباس حیدرزاده

زمان: پنج شبیه (صبح روز اربعین) - بعد از نماز صبح

مکان: آتهای نواب - به سمت خانی آبادنو - ابتدای خانی آبادنو - مسجد جامع ولیعصر (عج)

از عاشقان و شیفتگان سید الشهداء علیه السلام برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل می آید.



دارالعرفان

موسسه دارال المعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

پارگاه اطلاع (سلانی) عقیدق

۱۴۰۹

دی

۱۲

## در صبح اربعین پای منبر استاد انصاریان بروید

عقیق؛ به مناسبت فرا رسیدن صبح روز اربعین حسینی (ع) مسجد شهید بهشتی اقامه عزا می کند.

به گزارش عقیق این مراسم که با حضور خواهران، برادران در مسجد شهید بهشتی خیلابان تبرد برگزار می گردد، به شرح ذیل می باشد :

سخنران: استاد شیخ حسین انصاریان

ملاج: کربلائی مهد آلویان - حاج محمد منطقی

زمان: روز اربعین از ساعت ۷:۳۰ صبح

مکان: پیروزی خیلابان تبرد شمالی مسجد شهید بهشتی

از عاشقان و شیفتگان سید الشهدا علیه السلام برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل می آید.



دارالعرفان

موسسه دارالعرفان  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



پایگاه اطلاع (سلام) استاد انصاریان

۱۴۰۹

دی

۱۳

یام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت  
ارتحال حضرت آیت الله مجتبی تهرانی

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّمَا اللَّهُ وَلَهُ الْحِلْمُ رَاجِحُونَ

ارتحال عالم ربانی فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات  
را مستلزم می نماییم.

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان  
 مؤسسہ ہدایت



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



پایگاه فبدی تمدنی ابنا

۱۴۰۹

دی

۱۳

پیام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت ارتحال حاج آقا مجتبی تهرانی



ارتحال عالم ربانی فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات را مستلت می نماییم.  
به گزارش خبرگزاری اهلیت(ع) - اینا - در پی ارتحال آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی مرکز دارالعرفان پیام تسلیتی صادر کرد

بسم الله الرحمن الرحيم  
انا لله وانا اليه راجعون

ارتحال عالم ربانی فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات را مستلت می نماییم.

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان  
مؤسسه هدایت



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

# اللَّهُمَّ عَلَيْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَسَلَّمَ فِي أَنْتِ الْمُعْصُوبُونَ مِنْ فِرْيَةِ آیَةِ

بررسی: اسلامی حداخت زندگانی سریع، اسلام و ایران

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

## ارتحال آیت الله مجتبی تهرانی

۱۴۰۹

دی

۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اانا لله و اانا اليه راجعون

ارتحال عالم ربانی فقیه عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی را تسلیت عرض نموده و برای روح آن بزرگوار علو درجات را مستلت می نمایم.

موسسه اسلامی هدایت تهران

پیکر آیت الله مجتبی تهرانی در حرم عبدالعظیم(ع) به خاک سپرده می شود

پیکر مرحوم آیت الله آقا مجتبی تهرانی، فردا ۱۴ دی ماه بعد از تشییع در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به خاک سپرده می شود

مراسم تشییع پیکر پاک معظمله همزمان با اربعین سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) فردا یعنی شبیه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۱ از ساعت ۸ صبح در مدرسه عالی شهید مطهری واقع در میدان بهارستان برگزار می شود و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای بر پیکر ایشان اقامه نماز می کنند.

موسسه ناز المعارف شیعی قم

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



دارالعرفان

موسسه ناز المعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

انتقاد شیخ حسین انصاریان از تهاجمات قلمی و لفظی:  
فضا را آلوده و نجس کرده اند

چکیده: حجت الاسلام و المسلمین انصاریان می پرسد «کجا رفت مهرورزی‌ها و صفاها؟» «اخلاق ایبا کجا رفت؟» «زیان‌ها و قلمهای پاک کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این گونه فضا را آلوده و نجس کرده‌اند. حجت الاسلام و المسلمین انصاریان می پرسد «کجا رفت مهرورزی‌ها و صفاها؟» «اخلاق ایبا کجا رفت؟» «زیان‌ها و قلمهای پاک کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این گونه فضا را آلوده و نجس کرده‌اند. به گزارش کامله از سخنرانی این روحانی در مراسم شب اربعین در مسجد امام صادق(ع) تهران حجت الاسلام و المسلمین انصاریان با طرح این سوال که ایا معنی شکر در اسلام براندن فقط مقدس از توک زیان است؟ گفت: این نهایت تمسخر است، شکر نعمت عملی است.

انصاریان سال گذشته نیز، با اشاره به برخی مشکلات و ناسامانی‌های موجود در کشور، از مردم عذرخواهی کرد وی گفته بود: ما که شعار دادیم، منبر رفتیم، برای انقلاب بیانیه دادیم، شما مردم را تشویق به انقلاب کردیم، هیال میز و پست تبودیم و نیستیم، ما وقتی به هیال انقلاب و پیروزی آن بودیم، چنین وضعی که در کشور پیش آمده را نمی خواستیم.

شب گذشته نیز وی با اشاره به این که تعریف از کارهای نعمت روش اهل بیت(ع) است، کتمان یا تکذیب خوبی مستولان در جامعه اسلامی را کفران نعمت داشت و گفت: متساقنه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند. این استاد حوزه علمیه با بیان این که شکر یعنی هر نعمتی را در جای خود تحقق عملی دادن در راه خدا اظهار داشت: شکر نعمت قدرت، عدالت و اقیمی می‌باشد، شکر نعمت قلم، این است که خداوند بتواند به آن نوشته و قلم قسم بخورد اما در غیر این صورت این کفران نعمت است، اگر قدرتی صرف خلیم شود و یا قلمی صرف هجوم به یک فرد ابرومند، مدیر قوی، رزمنده، فرد مدب و دلسوز و یا آیادگر شد این کفران نعمت است و ضدیت با پروردگار است و این از مبدلی به نام حسد سرچشم می‌گیرد.

وی با بیان حدیثی از امام صادق(ع) مبنی بر این که روش ما اهل بیت(ع) این است که از کار مثبت اهل مثبت تعریف کنیم و تکذیب کار خوبان کار نشمنان ماست گفت: این نشمنان هستند که خوبی‌ها را کتمان می‌کنند، بدی می‌سازند و بدی‌ها را به دیگران نسبت می‌دهند و متساقنه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند.



کلمه  
اعرفان



## پیام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله مجتبی تهرانی

۱۴۰۹

دی

۱۶



خبرگزاری رسا - استاد حسین انصاریان با اشاره به این که تعریف از کارهای مثبت روش اهل بیت(ع) است، کتمان یا تکذیب خوبی مستولین در جامعه اسلامی را کفران نعمت دانست و گفت: مقتصنه در جامعه ما کفران به نعمت خدا زیاد هستند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، استاد حسین انصاریان از اساتید حوزه علمیه شامگاه چهارشنبه سیزدهم دی ماه در مراسم شب اربعین که در مسجد امام صادق(ع) تهران واقع در میدان فلسطین برگزار شد اظهار داشت: از مدنیه تا مکه بیش از هفتاد فرشخ از جاده قدیم راه است و هزار و یانصد سال قبل وجود مبارک حضرت سیدالشهدا ۲۵ بار از منزل خود با پایی بر همه این جاده را برای انجام حج و عمره طی می کردند.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام مucchom با داشتن توان مالی، شهرهای جوان و اسباب خاری تیزرو با پایی پیاده و بر همه ۲۵ بار از مدنیه بمسوی آن منطقه مقدس مرکز نور مرکز هدایت قبله عبادت سفر می کند گفت: امام(ع) با این عمل خود خواستند عظمت کعبه و مسجدالحرام و مناسک حج را به مردم بفهمانند که این خانه مسجد و مناسک از چه جایگاهی برخوردار است.

وی در ادامه افزود: البته خداوند جواب این بیاده روی های او را داد امسال تزدیک ۱۸ میلیون نفر از شصت کشور پیاده و عده ای از آن ها با پایی بدون کفش برای زیارت مزار او که کعبه دلها و مرکز پخش نور خدا در عالم است حرکت کرند. این واعظ بر جسته با تأکید بر این که امام حسین(ع) این عظمت و شخصیت را دارد گفت: مهم ترین روایات مربوط به زیارت او است که اغلب آن ها در معتبرترین کتاب کامل الزیارات جمع و عنوان یافتد شده است، اگر تعدادی از آن روایات و متن را کنار هم بچینیم این معنا از آن در می آید که «زیارت قبر الحسین الفضل من زیارت امام الحسین» زیارت قبر امام حسین(ع) با فضیلتتر از زیارت امام زنده می باشد.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام حسین(ع) در ۲۵ سفر هنگامی که به درب ورودی مسجدالحرام می رسیدند وارد مسجد تمی شدند یکه صورت عبارک را روی دیوار بیرون مسجد می گذاشتند و به شدت گریه می کردند اظهار داشت: امام حسین(ع) به پیشگاه پروردگار با تواضع حاضر می شدند، چنان توانعی که امروز در کسی از این هفت میلیارد جمیعت وجود ندارد.

وی افزود: حضرت سیدالشهدا(ع) پس از این تواضع و فروتوتی را همان پای خسته و پر آله وارد مسجدالحرام می شدند و تا کنار بیت پیش می آمدند و در کنار بیت به دیوار کعبه تکیه می نهادند و مانند این بهار گریه می کردند.

این استاد حوزه علمیه با بیان این که حدود ۱۵۰ سال است شیعه مائند آخوند خراسانی را مخصوصا در علم اصول به خودش ندیده است گفت: در این ۱۵۰ سال هر کس مرجع تقلید شده است بر سر سفره این مرد، مرجع شده است، پهلوان علم در شیعه با حاشیه زدن بر کتاب کفایه او پهلوان شدند، علم عالمان شیعه با حاتیمهای بر کتاب آخوند سنجیده می شد.

استاد انصاریان افزود: قردری خوب آخوند خراسانی را دید و از او سوال کرد آقا شما از دنیا نرفتید؟ فرمود بله من الان در دنیا نیستم، گفت آقا از بزرگان من تواید برای ما تعریف کنید؟ گفت نه الزامی ندارم خبری از آن بدhem ولی یک خبری من توایم بدhem و آن این است که من که ۷۰ سال شناگر ۱۱ رشته علم بودم و در آن ها مجتهد بودم اینجا که امدم حسین بن علی(ع) را شناختم.

این واعظ بر جسته در رایله با امام حسین(ع) تصریح کرد: این گوهر مجھول در عالم بعد برای مردم معلوم می شود و یک سر الهی است که در قیامت روش خواهد شد. ادامه در صفحه بعد...



دَرُ الْعِرْفَانَ

موسسه دارالعارف شعبی

درستگیر علمی تحقیقاتی دارالعرفان



پایگاه اطلاع (سلام) استاد انصاریان

۱۴۰۹

دی

۱۳

## یام تسلیت مرکز دارالعرفان به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله مجتبی تهرانی



وی با بیان این که اگر همه دنیا حرفاهاي حضور را می فهمیدند كه زمین ستر تواضع، باگی، امتیت، فضیلت و درستی می شد و سبب می شد که مردم بهشت روز قیامت را در همین دنیا تجربه کنند گفت: این وجود مقدس به کعبه تکیه می داشند و با پروردگار می گفتند «خدایا هر نعمت مادی و معنوی را که به بندگان حسین(ع) عنایت کردی یکبار حسین(ع) را در کنار هیچ نعمتی شاکر نیافتنی یعنی من بر هر نعمت تو که شکر آن لازم است باید شکرش را انجام بدهم، برای این که من توفیق انجام شکر را دادی نیز شکر لازم است و من کدام نعمت تو را توانستم شکر کنم.

استاد انصاریان با طرح این سوال که آیا معنی شکر در اسلام پر اندن لفظ مقدس از نوک زبان است؟ گفت: این نهایت تمسخر است، شکر نعمت عملی است.

این استاد حوزه علمیه با بیان این که شکر یعنی هر نعمتی را در جای خود تحقق عملی دادن در راه خدا اظهار داشت: شکر نعمت قدرت، عدالت واقعی می باشد، شکر نعمت قلم، این است که خداوند بتواند به آن نوشته و قلم قسم بخورد اما در غیر این صورت این کفران نعمت است، اگر قادری حرف خالم شود و یا قلمی سوف هجوم به یک فرد آبرومند، مدیر قوی، وزمنده، فرد هنر و دلسوز و یا پادگر شد این کفران نعمت است و خذیت با پروردگار است و این از مدلایی به نام حسد سرجشمه می گیرد.

وی با بیان حدیثی از امام صادق(ع) مبنی بر این که روش ما اهل بیت(ع) این است که از کار مثبت اهل تعریف کنیم و تکذیب کار خوبان کار دشمنان ملست گفت: این دشمنان هستند که خوبی ها را کتمان می کنند، بدی می سازند و بدی ها را به دیگران نسبت می دهند و متناسبانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند.

استاد انصاریان در پایان با طرح سوالاتی تغییر «کجا رفت مهرورزی ها و صفاتها؟» «خلاص ایشان کجا رفت؟» «زبان ها و قلمجهاي یا کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این گونه فضا را آلوده و نجس گرداند.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



یه گزارش خبرگزاری اهلیت (ع) - ابنا - گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذرانید مصاحبه‌ای است نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیغمبر اون عرفان مصطلح و تصوف صورت گرفته است. توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضرید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعدد وجود دارد نظر شما در اینباره چیست؟ سبب عرفان با دین را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصل فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع کوشاکون و ملت‌ها و آئین‌های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف آئین‌هایشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت داشتنی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان‌هاست و این منبع در همه این‌ای بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این از تاباطی به اصل دین ندارد، و دین از اضایا کامل آن استناعت ندارد اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی‌نهایت حضرت رب‌العزّة، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت (ع) به ویژه دعاها بری چون کمیل، عرفه سید الشهداء (ع) و ابوحمزة ثمیلی در قلب ظهور می‌کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی لقا‌الله و رضوان‌الله است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق‌الله است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفاتی این‌ای و مایه و پایه دینداری می‌باشد.

یکی از پرسش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، ربطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است: نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟

استاد انصاریان: فلسفه در اصل داشتنی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن را باید آمدن علوم جدید و این‌باره تو، از عیان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پروردش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد و ابطاله‌ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان بشری ششی‌زاده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسازند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کنند، همان راه را دل در صورتی که از همه رذائل اخلاقی و شائمه‌ها باک باشد، طی می‌کنند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کنند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دل غیر از دل انتیا و امامان معمصوم (ع) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و تنوونه آن دل والا و پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشی بر اثبات کشف و شهود اهل دل از طریق ایات قرائی و روایات اهل بیت (ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتحولات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شسترنی و «صالحیه» ملاعلی گنبلادی و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم؛ بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت (ع)، ربطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد و به نظر می‌رسد اشتبه بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و اشتئی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.





## فقهاء شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



تسییت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

استاد انصاریان: اولاً مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به نسبت می‌اید که درست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل‌گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جذابیت دین از سیاست، مخالفت شدید با فقهیان مکتب اهلیت (ع)، صلح و سازش با همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛

چنان باتیک و بدسر کن که بعد از مردخت عرقی

مسلمانات به زخم شوید و هندو سوزاژ

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صفوی هدیه شود، تأثیر عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تأویلات نجمیه ... به جای رویکرد به قرآن و اهلیت (ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خالی برداری، اینها گری، ایجاد روح رخوت و سستی در آنها تحت عنوان رضا به قصای الهی، بر تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیهوهود داشتن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، ایناشته شدن کتب صفویه از مطالعی که از مکتبهای بودایی، هندوی، فلسفه‌یونی، فرقه‌یورسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و ... .

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چنان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عرفان و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آفایهرانی، چنان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌نامند.

حضرت عالی نزاع دائم تاریخی فقهاء (أهل شریعت) با اهل معنا (أهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنند؟

استاد انصاریان: در جمیع پا توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقهاء شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی) که از مشرب عرفان ناب تبعی سیواب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حانیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأثیر نادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وقت داشتند که مکتب اهل

بیت (ع) چون خود اهلیت (ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

ایا کشف و شهود در عرفان اسلامی حقیقت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجزیه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتبس به اسلام همان باشد که در «فتوحات» ابن عربی، «حصالحیه» ملاعلی گنبلادی و «گلشن راز» تسبیری آمده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «ذکریه» عطاء، «حلقات صوفیه»، «حیله‌الاولیاء» ابوسعید، «تفسیر روح البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حلولیت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم. اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (ع) و کرامات و خارق عادات آن است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق تبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

دیر العرفان

موجبه: دارالعلوم علیعی  
درستگر علمی تحقیقاتی دارالعلوم



## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

استاد انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «المرقبت»، «العشق به حق»، «وَالَّذِينَ أَمْتَنُوا لَنَفْسٍ حَيَا لَهُ» (یقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: احتجاج از محروم‌ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرِبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ» (العام/۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسن و عمل بر اساس فقه اهل‌بیت(ع)، که جز این سه مرحله گمراحتی است، گرچه رنگ و لعاد دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرامی توبید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ ایا منشا این مسئله، احساس خلاه معنویت ناب و احیان است و یا پیروزه‌ای سیلی برای تحثیت تائیر قرار نادن ادیان‌الله‌می‌دانست؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مذبوریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرامی در دنیا امروز مبنول و مخصوص خلاه معنوی شر لست که مکتب‌های مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاشده‌اند؛ اما سیاست‌گذاران جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استعمارچان به شدت با پیروزه‌های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلا را بی‌می‌گیرند تا از وشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل‌بیت(ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلاه معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسائل مدنون در شناساندن خطوط عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه پیامبری‌گاهی از نظر ساختمان و اموری جون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت وعاظ درس خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واحد شرایط پرداخت و ممتاز و رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنزان و قان که سخنواری هایشان مردم و نسل را دین‌گیری می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌اطلاع اسلام هیچ ممانعت را روا نداشت. نیز لازم است جزوی امنی، استوار، مستدل، کم‌حجم، یا جاذبه‌ایی از طریق داشکارها، مدارس، ادارات مساجد، در اختیار نسل جدید قرار ناد و خطرات و دشمنان را به اثاث شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزگزرون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ اثار مثبت و انسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: سخنواری‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی(ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجدوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعت به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحض و تقاد به مسائل روحی و عرفان‌گرا گرامیت پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفان رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آوری‌یزی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و مثال دنیا و بیول و ترتوت در تکاپویند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کلامات ساختگی بوده است. ادامه در صفحه بعد...





## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در بازار آنان نوشتند شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود یه شدت در طیش بودم، اما آنچه این بازارگران ثروت نوشته‌اند، از آنان نیدم! کرامات اینان فقط در تقاو و عمل صالح فردی شان بود هیچکدام به اندازه یک میلیونیوم خمینی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برابر استینداد و استعمال مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و بخدمه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ایروی خود کاری تداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در منیر و مجالس خصوصی ام اعلام کردم، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتقاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم، البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «تفصیل‌های فرموش شده» شرح حالات آخوند ملاعیاس تربیت است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند داشمند و روشنگریش مرحوم راشد تربیتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاق و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتابها جز این که نگاه بردم را از اهلیت و کرامات آن عرشیان فرسین به دیگران معطوف نمایند، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین حاضر نوشته شده باشد.

همان گونه که اخلاق از اعلاء بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری از ائمه می‌شود «درس عرقان عملی در اسلام» است، نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ ایا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً منابع اصولی عرقان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح پژوهش ارائه دهید.

بنده اغلب جزوی ای که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آنچه‌هایی از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیچیده و گاهی غیرقابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرفتاً توری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای اثی و انسانی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرقان عملی اسلام، اگر حد در صد عرقان قراری - تعلیمی باشد، قلیل قبول است. این دروس باید پرگرفته از قرآن و مدرسه اهلیت (ع) و دارای نظمی خاص و بدون ابهام و پیچیدگی و برای دانشگاهیان بسیار جذاب باشند؛ و باید اساتیدش با زیان حال آن را به دانشجویان منتقال نهند. این در صورتی است که اساتید خوشان به حقیقت ناب اخلاق و عرقان آزمایش باشند تا دانشجو مصدق اعلیٰ آن درسنها را با چشم سر و دیده دل بینند؛ بلکه از طریق استاد در گرونه اخلاق و عرقان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «محاجة الپیضا»، فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد اشیائی، «ادب فنی مقربان» آیت‌الله جوادی املی، شرح دعای کمیل حیران، و از همه بهتر اگر بتوان تلقیق از همه آنها بهست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم اوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دونوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصولی شیعی برای عموم.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه اداره المعارف شیعی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)! به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر برلینی فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

استاد انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدیده اورندگان، ینده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌رسنم. از طریق منابر در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیدهام که از آن کتابها گریزند و فقط به خاطر به است آوردن نهره آنها را می‌خواهند! پس اثر چنان مطلعی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان ندارد به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصراً به اندازه همین کتابها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و نیز بخش‌هایی از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ دیگر متون و لیسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل را آن چنان که باید منور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب ححمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زوایتی این کار انجام گیرد که بسیار دیر است. در بیان از بذل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته ام نمایم، تشکر می‌کنم.

من هم از شما مشترکوم، موفق باشید.  
استاد انصاریان در یک نگاه:

جتح الاسلام والمسلمین استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۲۲ شمسی در شهر عالم پرور خوانسار متولد شد. پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتکار به دین و عالم، در آن دیار بوده است. استاد در خاطره‌ای از سن ۳ سالگی خود، بیان می‌کند: «روزی آیت‌الله العظمی محمد تقی خوانساری (ره) به منزل جد ما آمد و بود. من در سینه کوکدی در اثاق را باز کردم و مستقیم به طرف آیت‌الله خوانساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدر بزرگم جلو آمد که من را به الدور ببرد آیت‌الله خوانساری جلوی او را گرفت و مرا نوازش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در آینده چکاره شوی؟ جواب نادم می‌خواهم مثل شما بشویم ایشان در حق من دعا کرد. هر گاه شیخ آن خاطره از دهنم می‌گزند و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار که می‌افتم، یکی از شیرین‌ترین خاطرات عمرم در ذهنم تداعی می‌شود».

وی در سومین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های منتعی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد لر زاده بود. آن مرحوم مدرس‌های را در آن منطقه بنایهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کوکدی محضر پریضی آن استاد ربانی را درک کرد. همچنین در آن سال‌ها با چهره‌های الهی چون آیت‌الله سید محمد تقی غضنفری امام جماعت مسجد دو راه شهر خوانسار، آیت‌الله سید حسین علوی از مجتهدان سرشناس خوانسار، مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن الرضا خوانساری و مرحوم آیت‌الله الهی قمشه‌ای، مأمور بود.

ادامه در صفحه بعد...



کل اعراف

موجز ادب المغارف شنبه

برگزاري علمي تحقيقاتي دارالعلوم



پایگاه فبدی تحلیلی ابنا

۱۴۰۹

دی

۱۸

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



تحصیلات حاج شیخ حسین در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم ربانی آیت‌الله میرزا علی فلسفی - که جزء مددود کسانی بود که مرحوم آیت‌الله العظمی خوبی کنیا به اجتهد او تصریح کرد - درک نمود وی در حوزه علمیه قم نیز محضر بزرگانی چون آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین فاطمی، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت‌الله محمدی گیلانی و آیت‌الله صالحی نجف ابادی را درک نمود و پهلوها بردا سپس در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقهای عظامی همچون: آیت‌الله سید محمد محقق داماد، آیت‌الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری و به ویژه آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم امی لاریجانی، استفاده‌ها نمود.

استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی حوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت نمود؛ که بیش از چهل سال، در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

از زیارت بیش از هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۲۰ مجلد، گزارش کوتاه و گویایی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیفه سجادیه، دیوار عاشقان (تفسیر و شرح صحیفه سجادیه در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنویسی مقاتیح الحنان، شرح دعای کمیل (۲ جلد)، اهل بیت(ع) عرشان فوش نشین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، موسی جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه‌های رحمت الهی، فرهنگ مهرورزی، زیبایی‌های اخلاق، بریال اندیشه (۲ جلد)، با کاروان نور، لفمان حکیم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه شعر اعرقانی)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ مجلد)، نظام خانواده در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی(ع) را بهتر بشناسیم، معنویت اسلامی ترین نیاز خصوصی، اخلاق خوبان، در بارگاه نور، چهره‌های محظوظ و متفور قرآن، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از بیدگاه نهج البلاغه، مجموعه مقالات، نفس، ... .

همچنین آثاری جند از استاد تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و جای شده، که برخی از عناوین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خانواده در اسلام (انگلیسی، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی)، شرح دعای کمیل (عربی، اردو، انگلیسی)، توبه آنوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت(ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی). شبکه کلتوریزیون اینترنتی معارف و عرفان و نیز «موسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: [www.erfan.ir](http://www.erfan.ir) با شرافت ایشان در فضای مجازی فعال است.

و اینک با تشکر از همکاری مستولان محترم «موسسه دارالمعارف شیعی» در به سامان رسیدن این گفتگوی مکتوب، و تشکر از استاد ارجمند، مشروح نقطه نظرات استاد انصاریان را تقدیم شما فرهیختگان می‌کنیم.

کل اعراف



## خاطرات شیخ حسین انصاریان از جهان پهلوان تختی

حجه‌الاسلام و المسلمین «شیخ حسین انصاریان» سخنران سرشناس در خاطره‌ای در مورد جهان پهلوان تختی، چنین گفت: چند سالی که در محله خانی آباد منبور می‌رفتم، وی همراه خانواده‌اش پایی منبرم می‌آمدند. خود من نیز گاه کاهی به زورخانه می‌رفتم. بدرین ترتیب به مرور زمان با هم آشنا شده بودیم.

به گزارش شیعه اهل‌ایران، «شیخ حسین انصاریان» می‌فرماید: علی برای کشته شدن او دکر می‌کنند. برای مثال روزی به بازار رفته بودم، از جلوی مقاومه آقای شکوهی، پدر یکی از دوستان هم دوره‌ای مدرس‌امام، رد می‌شدم. مرد صدا زد و خواست تا با هم جای بخوریم. ایشان سید بزرگواری بود و مقاومه‌چای فروشی داشت. صحبت از تختی شد. او گفت که «زمانی وقتی تختی این جا بود من به او گفتم پهلوان باید خواست خیلی جمع باشد. من می‌ترسم با دوسته پرتابه‌ای که داری به مشکلی بر بخوری و خدای ناگردد کار دست خودت بدی. یکی ارتباط با سید محمود طلاقانی است، دیگری عضویت در جبهه ملی و بالاخره محبوبیتی که در بین مردم داری». \*

انصاریان در ادامه خاطره خود از خود مرحوم غلامرضا تختی در بین مردم خیلی عزیز و پرطرفدار بود. در زلزله بوئین زهرا، برای جمع اوری کمک‌های مردمی از طرف دولت جادره‌ای بربا شده بود. اما مردم به آنها توجه چندانی نمی‌کردند. یک مرتبه آقای تختی وسط سبزه میدان بازار، بلند فریاد زد: «ای مردم، کمک کنید». با ندای آن راهنمد سیل کمک‌های مردمی سازیز و انبوهی از انواع و مابحاج زلزله زدگان وسط میدان جمع شد.

شیخ حسین در ادامه گفت: یک بار نیز در باشگاهی در تزدیکی پارک شهر، مجلسی برپا و شاهجهور غلامرضا، برادر شاه، دعوت بوده است. وقتی وارد می‌شود، مردم توجهی نمی‌کنند و استقبالی از او به عمل نمی‌آورند. دقایقی بعد، غلامرضا تختی وارد می‌شود. مردم همه سریعاً می‌ایستند و گفت مرتبی برپا شی می‌زنند و یا سر دادن شعارهایی برای احساسات می‌کنند. بدرین ترتیب شاهجهور غلامرضا خیلی کوچک می‌شود و پیش روی مردم احساس خواری و دلت می‌کند.

«شیخ حسین انصاریان» در پایان خاطرات خود گفت: در محله خانی آباد در مجلس ختم او شرکت کردم. مراسم به آرامی برگزار شد، اما در مجلس تسب هفت او که در این بایویه برگزار شد، از اشاره مختلف مردم، شرکت ناشتند، بخصوص اقلاییون و ملی‌گزارها که در تصادم با حکومت بودند.



**دارالعرفان**

موسسه اداره المدارف شهادی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

شیخ حسین انصاریان در جمع استقلالی ها(تصویر) جالبه ...

۱۴۰۹

دی

۱۸



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



فلسفه در اصل دانشی بشری است که برای استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که الله سیاری از امور مربوط به پخش طبیعی آن با پذیریدن علم علوم جدید و بزار نو، از میان رفته و باطل شده است.

به گزارش مشرق؛ گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذراند مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنند.

همان گوته که مستحضری در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان؛ ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، مخصوص فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آئین‌های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف این‌هاشان بر اصول و پخش عمدۀ ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که پخش مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه این‌ها پسر مشترک است و البته پخش تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌پاشد و بنابر این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از امضای کامل آن امتناع دارد. اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و تزیییت‌های حضرت رب‌المرء، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت(ع) به ویژه دعا‌هایی چون کمیل، عرقه سیدالشهدا(ع) و بوحجه تمالی در قلب ظهور می‌کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی لقا‌الماء و رضوان‌الهی است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق‌الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفاتی آئین و مایه و پایه دینداری می‌پاشد.

یکی از پرسش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، ربطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟

انصاریان؛ فلسفه در اصل دانشی بشری است که برای استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که الله سیاری از امور مربوط به پخش طبیعی آن با پذیریدن علم علوم جدید و بزار نو، از میان رفته و باطل شده است. پخش علمی و معارفی فلسفه که در پیروزش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد ابطله‌ای یا عرفان حال‌مند دینی ندارد؛ اما اپسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان پسری اشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن پسازند و اصوات بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را در صورتی که از همه رذائل اخلاقی و شایدیها پاک پاشد، طی می‌کند فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش است که آیا دلی غیر از دل اثیبا و امامان معصوم(ع) به عرصه کشف و شهود عمل می‌کند؛ اگر راه دل چه طبقه‌ای؟ و نمونه آن دل والا و یاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ یا توجه به این که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق اثبات قرائی و روایات اهل‌بیت(ع) در منتظر ما وجود ندارد. ادعاهایی که در این زمینه در «الفتوحات» محب‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شبستری و حصالجیه «ملاعلی گنابادی و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم. بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل‌بیت(ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد اثنتی بین این دو رشته، به زور و به دور از اتصاف صورت گرفته است و اثنتی ادامه در صفحه بعد...



## حاجت‌الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



نسبت «عرفان» یا «تصوف» چیست؟ موضع اتفاق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟ انصاریان: اولاً یا مطالعه تدقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به نسبت می‌آید که نسبت کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است: مانند: دوری از عمل گرانی و تن به راحت و استراحت سپردن، جذابی دین از سیاست، مخالفت شدید با قیهان مکتب اهل‌بیت(ع)، صلح و سازش با همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن: چنان یا نیک و بد سر کن که بعد از مردنت عرفی مسلمانات به زمزمه شوید و هندو بسوژاند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدایه شود، تأثیر عجیب و غریب ایات قرآن و روایات - از یا باب نمونه تفسیر ابن عربی و تاویلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل‌بیت(ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خیال‌پردازی، ایجاد گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امانت تحت عنوان رضا به قضای الهی، بی تفاوت بودن به جنگ امت یا ستمگران و نهایتاً بهوهود داشتن چنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقایلات، اینائش شدن کتب صوفیه از مطالعی که از مکتبهای بوذی، هندوی، فلسفه‌ای، فلسفه‌ای، فرقه‌ای، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و... موضوع اتفاق تصوف یا عرفان و اشتراکش با آن چندان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال یاطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آفایهرانی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌دانند.

حضرت عالی نزاع نایم تاریخی فقهاء، (أهل شریعت) با اهل معنا (أهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنند؟ انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبیل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقهای شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (له عارفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب تبعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج ابن مکتب را در امانت سبب هدم دین و به حاتمه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل تادرست ایات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت(ع) چون خود اهل‌بیت(ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند. ایا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحبت و سقمه تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مواد از کشف و شهود در عرفان منتبه به اسلام همان باشد که در «فتוחات» ابن عربی، «صالحیه» ملاعلی گنبلادی و «کلشن راز» شیستری امده، و مواد از خارق عادت آن باشد که در «ذکر» عطار، «حلقات صوفیه»، «حیله‌الاویام» (تفسیر روح‌البیان) و «کیمیای محبت» ضبط شده، باشد که: هیچ دلیلی بر حقیقت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم، اما اگر مواد شهود قلبی انبیا و ائمه(ع) و کرامات خارق عادات آن است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق تبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه‌ی دارالعرفان

در کنک علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقهای شیعه رواج عرفان و تصور را سبب هدم دین می دانستند



از نظر شما مؤلفهای عرفان و سلوک تاب اسلامی - شیعی چیست؟

انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «عمرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آتُوا أَنْدُجَةَ اللَّهِ» (قرآن ۱۵۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حق نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرمات خلاهری و باطنی «ولا تغروا الفوائح ما ظهر منها و ما بطن» (تاج ۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسن و عمل بر اساس فقه اهل بیت (ع)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه زنگ و اماد دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نویید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ ایا منشأ این مسئله، احسان خلاه معنویت تاب و احیل است و یا پرورهای سیاسی برای تحت تاثیر قرار نادن ادیان الهی می‌داند؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیای امروز معمول و محصول خلاه معنوی بشر است که مکتبهای مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاه شده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استعمارچیان به شدت با پروره های دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلا را بی‌منی گیرند تا از وشد جهانی دین اسلام و مکتب تاب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلاه معنوی رساندن پیام اسلام تاب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسائل مدن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کتونی کشور اقدام کرد. در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرچایه از نظر ساختمان و اموری جون کتابخانه و بیانممهای جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراشت نمود و به تقویت و عاظ درس خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واحد شرایط پرداخت و متابیر و رادیو و تلویزیون را از هست بی‌سوادان و بی‌هنزان و اثاث که سخنواری هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به خاطر اسلام هیچ ممانشی را روا نداشت. نیز لازم است جزوی متنی، استوار، مستدل، کم‌چشم، با جاذبه ایی از طریق داشتگاهها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و شتمان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ اثار مثبت و اسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

انصاریان: سخنواری‌های تاب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پیش از آن در ربطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجدوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعت به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحتو و نقاد، به مسائل روحی و عرفانی گرا گردانیده بود که، و به تدبیر مباحث عرفانی و شرح حال عرفه وقت، گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست ایزیزی حرصانه برای پر کردن جیب خود از مال و مثالی دنیا و بول و تروم در تکالیف دنی، از این پدیده معنوی سوه استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب هایی که بر از دلستان‌های غیروالئی و گشوف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم علیی

درگیر علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقهای شیعه رواج عرفان و تصور را سبب هدم دین می دانستند



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در باره آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازارگران ترویت نوشته‌اند، از آن نمیدم! کرامات اینان فقط در تقاو و عمل صالح فردی‌شان بود. هیچکدام به اندازه یک میلیونیوم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برای استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و بدفعه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حظا شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روى اين حساب من اكثرب آن كتابها را چنان که در مبارز و مجالس خصوصی امام اعلام کردند، قبول ندارم. بنده آن کتاب ها را فقط وسیله ارتقاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فقیلتهای فراموش شده» شرح حالات آخرین ملاعیم انتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی اخوند در آن به قلم فرزند داشتمند و روشنفکر ش مرحوم راشد تبریزی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتابها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرضیان فرشتن به دیگران معطوف نمایند، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفاش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان گونه که اطلاع دارد علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختصاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ ایا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ اطفاً متابع اصول عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح پر شمارید.

بنده اغلب جزوی ای که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، بیجیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرفاً تئوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوطاً با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ابهی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات فرمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر حد در حد عرفان قراری - اهل بیت باشد، قابل قبول است. این دروس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل بیت(ع) و دارای نظمی خاص و بدون ابهام و بیجیدگی و برای دانشگاهیان بسیار جذاب باشد؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان منتقال نهند. این در صورتی است که اساتید خودشان به حقوق‌ناب اخلاق و عرفان از استاد باشند تا دانشجو مصادق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و دیده دل ببیند؛ بلکه از طریق استاد در گردونه اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود آسوده و سومشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «حججه‌البیضاء»، «پیغم کاشانی»، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد اشتبانی، «دب فنا مقریان» ایت الله جوادی املی، شرح دعای کمیل حبیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم آوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در حدد تألیف دونوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصول شیعی برای عموم.



دارالعرفان

موسسه دارالعرفان شیعی  
دریگاه علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## حجت الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقهای شیعه رواج عرفان و تصور را سبب هدم دین می‌دانستند



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دشگاهها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر برهنین فلسفی، قادر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

انصاریان؛ با وجود خدمات و خدمات پدیده اورتگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌رسنم، از طریق مبارز در شبههای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتاب‌ها گریزند و فقط به خاطر به دست اوردن نعره آنها را می‌خواشند! این اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان تدارد به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصراً به اندازه حجمین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و نیز یخشیده از تهییج البلاعه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ دیگر متون و لیسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دلها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدرها را در سیمیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد پس باید هر چه زودتر این کار انجام کردد که بسیار دیر است.

در بیان از بذل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته ان دانید، تشکر می‌کنم.

عن هم از شما متشکرم، موفق باشید.

استاد انصاریان در یک نگاه:

حجت الاسلام والمسلمین استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۳۳ شمسی در شهر عالیه پرور خوانسار متولد شد. پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتگذار به دین و علم، در آن دیار بوده است. استاد در خاطرهای از سن ۳ سالگی خود بیان می‌کند: «روزی آیت‌الله العظمی محمدتقی خواساری (ره) به منزل جد ما آمده بود. من در سینین کوکدی در اتاق را باز کردم و مستقیم به طوف آیت‌الله خواساری وقتی و در آغوش او نشستم. پدریزگم جلو آمد که من را به اندرون ببرد آیت‌الله خواساری جلوی او را گرفت و مرا نوازش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در اینده چه کاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد هر گاه شیخ آن خاطره از خشم می‌گزد، و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار که می‌افتختم، یکی از شیرین‌ترین خاطرات عمرم در ذهنم تداعی می‌شود».

وی در سومین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های منشعبی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد آزاد بود آن مرحوم عدوسی‌ای را در آن منطقه بنا نهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کوکدی مخصوص پروریض آن استاد ربانی را در کرد همچنین در آن سال‌ها با چهره‌های الهی چون آیت‌الله سید محمدتقی غضنفری امام جماعت مسجد دو راه شهر خواسار، آیت‌الله سید حسین علوی از مجتبه‌دان سرشناس خواسار، مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی این‌الرضا خواساری و مرحوم آیت‌الله الهی قمشمای، مأمور بود.

## حاجت‌الاسلام انصاریان مطرح کرد: فقهای شیعه رواج عرفان و تصور را سبب هدم دین می‌دانستند



تحصیلات حاج شیخ حسین در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم زبانی آیت‌الله میرزا علی فلسفي - که جزء مددود کسانی بود که مرحوم آیت‌الله العظمی خوبی کنیا به اجهاد او تصریح کرد - در کنمود. وی در حوزه علمیه قم نیز محضر بزرگانی چون آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین فاطمی، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت‌الله محمدی گیلانی و آیت‌الله صالحی نجف بادی را در کنمود و بهره‌ها پردازید. در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقهای عظامی همچون: آیت‌الله سید محمد محقق داماد، آیت‌الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری و به ویژه آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم املى لازیجانی، استفاده‌ها نمود.

استاد بعد از تحصیل علم دینی و انتقام مدارج عالی حوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت نموده که بیش از چهل سال، در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

الغزون بر سی هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۳۰ مجلد، گزارش کوتاه و کوبایی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه تهجیج البلاعه، ترجمه صحیفه سجادیه، دیار عاشقان (تفسیر و شرح صحیفه سجادیه در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنویسی مفاتیح الجنان، شرح دعای کمیل (۲ جلد)، اهل بیت (ع) عرشیان فرش نسخین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، موسی جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه‌های رحمت الهی، فرهنگ مهروزی، زیبایی‌های اخلاق، بر بال الدیشه (۲ جلد)، با کاروان نور، لفمان حکیم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه شعراء عرفانی)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ مجلد)، نظام خلواه در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، معنویت اسلامی تبرین نیاز عصر ما، اخلاق خوبان، در بارگاه نور، چهره‌های محبوب و منفور قران، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از دیدگاه تهجیج البلاعه، مجموعه مقالات، نفس، ... .

همجنین اثماری چند از استاد، تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و چاپ شده، که برخی از عنوانین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خلواه در اسلام (انگلیسی، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی)، شرح دعای کمیل (عربی، اردو، انگلیسی)، توبه آغوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت (ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی).

شبکه «تلوزیون اینترنتی معارف و عرفان» و نیز «موسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: [www.erfan.ir](http://www.erfan.ir)، با اشراف ایشان در فضای مجازی فعال است.



دانشگاه  
دارالعرفان

مروجہ دارالعلومی  
دریکش علیعی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف



فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پیدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است.

به گزارش مشرق؛ گفتگویی که در زیر از نظر می گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو طلب می کنند.

همان گونه که مستحضر خود در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می دانید؟

استاد انصاریان؛ ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و اهل حال جوامع

گوناگون و ملتها و این های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف این هایشان بر اصول و بخش عمده ای از فروع آن اجمعی دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت

انسان هاست و این منبع در مقدمه اینای پسر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ های جوامع و یا حالات روحی و روانی انتخاب می راند و عبارت این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از اضایا کامل آن استماع فاردد اما اگر مقصود از عرفان، مشق سوزانی

است که از معزقت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی نهایت حضرت رب الملة، از طریق قرآن و معارف اهل بیت(ع) به ویژه دعا هایی

جون کمیل، عرفه سید الشهداء(ع) و ابو حمزة تمالی در قلب ظهور می کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی لقای الله و رضوان الهی

است و عامل عمل به خواسته های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرقانی به منزله روح دین و صفاتی این

و پایه و پایه دینداری می باشد.

یک از پرسش های جدی و دل مغفوتوی های اندیشمندان بزرگ اسلامی، ربطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما

در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می کند؟

استاد انصاریان؛ فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پیدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی

فلسفه که در پیروزش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می رسد و اینکه ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده اند فلسفه را با عرفان بشری آشنا نمایند و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن پسازند و احسار بر این دارند که

آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال حلی می کند، همان راه دل در صورتی که از همه رذائل اخلاقی و شاینه ها پاک باشد، حلی می کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می کند؛ ولی جای این پرسش هست که ایا دلی

غیر از دل انبیا و امامان معموم(ع) به عرصه کشف و شهود دل چه طبقه ای؟ و نمونه آن دل والا پاک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق ایات قرائی و روایات اهل

بیت(ع) در منظار ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتوات» محنی الدین عربی و شرح «گلشن راز» شیسیری و

«صالحیه» ملاعلی گلبلای و امثال این کتب می بینیم را نمی توانیم بپذیریم، بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت(ع)، ربطه ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد و به نظر می رسد آشنا بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و آشنا عقلی و علمی به نظر نمی رسد.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی

درستگاه علوم تحقیقاتی دارالعرفان



پایگاه اطلاع (سلام) استاد انصاریان

۱۴۰۹

دی

۱۹

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف



نسبت «عرفان» با «تصوف» چیست؟ موضع اتفاق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

استاد انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است: ملتند: دوری از عمل گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جذابی دین از نیافت، مخالفت شدید با فقه‌هان مکتب اهل بیت(ع)، صلح و سازش را همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن: چنان یانیک و بد سر گن که بعد از مردنت عرفی

مسلمات به زمزم شوید و هندو بسوزاد

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب ایات قرآن و روایات - از باب تمنه تفسیر ابن عربی و تأویلات تجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل بیت(ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خالی بردازی، ابا‌حده‌گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امّت تحت عنوان رضایه قصای الهی، بی تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بهوهود داشتن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقالات، ایناشه شدن کتب حosophیه از مطالعی که از مکتبی‌های بویایی، هندویی، فلسفی‌ی، فرقه‌یوسی، فرقه‌یوسی، چینی و البته اندکی نیز از اسلام، و... .

موضوع اتفاق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چنان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی را هم مشترک و در بعضی از امور ملتند مبدأ بیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقاهرانی، چنان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست. بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌دانند.

حضرت‌عالی نزاع دایم تاریخی فقهاء (أهل طریقت، به ویژه متصوفه) با اهل معنا (أهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنند؟ استاد انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه پخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقهاء شعبه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی) که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امّت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل نادرست ایات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت(ع) چون خود اهل بیت(ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

ایا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا گرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحبت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

استاد انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان متناسب به اسلام همان باشد که در «فتוחات» ابن عربی، «صالحیه» ملاعلی گنابادی و «گلشن‌راز» شبستری امده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «ذکر» عطار، «طبقات صوفیه»، «خطیل‌الولایه»، «ابونعیم»، «تفسیر روح‌اللیان» و «کیمی‌ای محبت» بخطب شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقیقت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات تداریم، اما اگر مراد شهود قلبی انسیا و ائمه(ع) و کرامات و خارق عادات انسان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.



دارالعرفان



پایگاه اطلاع (سلام) استاد انصاریان

۱۴۰۹

دی

۱۹

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف



از نظر شما مؤلمه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

استاد انصاریان: عرفان شیعی، مركب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ أَمْتَأْلَى لَهُمْ جَنَاحَةَ الْجَنَاحِ» (قره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به ایات و معارف حقه تهایتاً عبارت است از: احترام از محرمات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرِبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ» (نعام/۱۵۱). تخلق به اخلاق حسن و عمل بر اساس فقه اهل‌بیت(ع)، که جز این سه مرحله گمراحتی است، گرچه رنگ و لامب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرانی توبدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ ایا منشا این مستله، احساس خلاه معنویت ناب و احیان است و یا پرورده‌ای سیاسی برای تحت تأثیر قرار نادن ادیان‌الله‌ی من داشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

استاد انصاریان: فقط موج معنویت‌گرانی در دنیا امروز معلوم و محصول خلاً معنوی بشر است که مکتبهای مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاً شده‌اند: اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استعمارچیان به شدت با پیروزهای دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلاً را بی‌می‌گیرند تا از روشنجهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت(ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلاً معنوی رساندن بیام اسلام ناب با رسانه‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسائل مدرن در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد. در این زمینه تبیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری جون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت وعاظ درس‌خوانده در حوزه‌ها و مورد تایید علمی مدارس دینی و عالمان واحد شرایط پرداخت و مدارس رادیو و تلویزیون را از دست بی‌سوادان و بی‌هنزان و اثاث که سخنواری هایشان موردم و نسل را دین‌گیری می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ معلماتی را روان نداشت. تبیز لازم است جزوی امنی، استوار، مستدل، کم‌محجوم، با جاذبه ایی از طریق داشکارهای، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار متبت و انسیه‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: سخنواری‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی(ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجدوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراعجه به اهل فقیر و بدوون مطالعه کتب پژوهشتو و نقاد، به مسائل روحی و عرفانی گرا گزاریش پیدا کرد، و به نهال مباحث عرفانی و شرح حال عرفان رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست آبیزی حرصانه برای پر کردن جیب خود از مال و مثالی دنیا و پول و تروت در تکابوند، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به نوشتن و فروختن این گونه کتاب‌ها در شرح احوال شخصی گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.



کل اعراف

موسسه اداره المدارف شیعی

برگزیر علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در باره آنان نوشته شده است، مواجه و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در ظلمش بودم، اما آنچه این بازگران ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقاو و عمل صالح فردی‌شان بود هیچکدام به اندازه یک میلیونیوم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برای استبداد و استعمار مبارزه کرده‌ند و نه کار جشم‌گیری برای مردم و دقدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در مبارز و مجالس خصوصی ام اعلام کرده‌ام، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتقای و تحریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات اخوند ملاعیس تربیتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی اخوند در آن به قلم فرزند داشمند و روشنگری مرحوم راشد تربیتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاق و سل لفلاف مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرشیان فرشین به دیگران معطوف نمایند، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان گونه که اطلاع دارید علاوه بر دروس اخلاقی اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختصاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این باره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً متابع اصول عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح برشمارید.

بنده اغلب جزوی ای که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، پیجیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرف‌آلتوری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ایشی و انشایی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر حد در حد عرفان قوائی - اهل بیت باشد، قابل قبول است. این دروس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل بیت (ع) و دارای نظمی خاص و بدون ابهام و پیجیدگی و برای دانشگاهیان بسیار جذاب باشد؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که اساتید خوشنان به حقایق ناب اخلاق و عرفان ازسته باشند تا دانشجو مصادق علمی آن درس‌ها را یا چشم سر و دیده دل بینند؛ بلکه از طریق استاد در گردنده اخلاق و عرفان قرار گیرند، خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «حججه‌البیضاء»، «جامع السعادات» ملامه‌هدی تراقی، مؤلفات میرزا احمد انشیانی، «دب فنای مقربان» آیت‌الله جوادی اهلی، شرح دعای کامل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تتفقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم اوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دونوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصولی شیعی برای عموم.



پایگاه اطلاع (سلام) استاد انصاریان

۱۴۰۹

دی

۱۹

## گفتگوی وزیر با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها را رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به وزیر اندیشه اسلامی ۱ و ۲): به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، قادر می‌تواند در تعقیب ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

استاد انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌پسندم. از طریق منابر در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیدهام که از آن کتابها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خواهند! پس لیر جندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان ندارد به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصراً به اندازه همین کتابها و جسم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و نیز بخش‌هایی از تهجیل‌البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ دیگر متون و لاسته به این رشتہ تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است. در پایان از بدل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته آن دادید، تشکر می‌کنم.

من هم از شما تشکرم، موفق باشند.

استاد انصاریان در یک نگاه:

استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۳۳ شمسی در شهر عالم پرور خوانسار متولد شد. پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتگذار به دین و علم، در آن دیار بوده است. استاد در خاطره‌ای از سن ۳ سالگی خود، بیان می‌کند: «روزی ایت الله العظمی محمد تقی خوانساری (ره) به منزل جد ما آمدۀ بود. من در سینین کودکی در اتاق رایاز کردم و مستقیم به طرف ایت الله خوانساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدریزگم جلو آمد که من رایه اندرون ببرد. ایت الله خوانساری جلوی او را گرفت و من اناویش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در آینده جکاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد هر گاه شیخ آن خاطره از نهنم می‌گذرد. و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار که می‌افتختم، یکی از شیرین ترین خاطرات عمرم در نهنم تداعی می‌شود».

وی در سومین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های منتهی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم ایت الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد لر زاده بود. آن مرحوم مدرسه‌ای را در آن منطقه بنانهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کودکی محضر پروریض آن استاد ربانی را درک کرد. همچنین در آن سال‌ها با چهره‌های الهی چون ایت الله سید محمد تقی غضنفری امام جماعت مسجد دو راه شهر خوانسار، ایت الله سید حسین علوی از مجتهدان سرشناس خوانسار، مرحوم ایت الله حاج سید محمدعلی ابن الرضا خوانساری و مرحوم ایت الله الهی قشمای، مأمور بود.



کلیل العرفان

موسسه اداره المدارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعلوم

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان و تصوف



تحصیلات استاد حسین انصاریان در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم ربانی آیت‌الله میرزا علی فلسفی - که جزء مددود کسانی بود که منحوم آیت‌الله العظمی خوبی کیا به اجتهد او تصریح کرد - در کنود وی در حوزه علمیه قم نیز محضر بزرگانی چون آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین فاطمی، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت‌الله محمدی گیلانی و آیت‌الله صالحی نجف ابادی را در کنود و پیرهایها برداشت. سپس در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقهای عظامی همچون: آیت‌الله سید محمد محقق داماد، آیت‌الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری و به ویژه آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم املی لاریجانی، استفاده‌ها نمود.

استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی حوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت نمود که بیش از چهل سال، در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

از زیارت بیش از هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۳۰ مجلد، گزارش کوتاه و گویایی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه صحیحه سجادیه، دیار عاشقان (تفسیر و شرح صحیحه سجادیه در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنویسی مقایع‌الحنان، شرح دعای کامل (۲ جلد)، اهل بیت (ع) عرشیان فرض تنشی، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، موسی جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه‌های رحمت الهی، فرهنگ مهرورزی، زیبایی‌های اخلاق، بر بال تندیشه (۲ جلد)، با کاروان نور، لقمان حکیم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه شمار عرقانی)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ مجلد)، نظام خانواده در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، معنویت لسلی تبریز نیاز عصر ما، اخلاق خوبان، در بارگاه نور، چهره‌های محبوب و منقول قرآن، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از پیدگاه نهج‌البلاغه، مجموعه مقالات، نفس، ... .

همچنین آثاری چند از استاد، تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و جاپ شده، که برخی از عناوین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خانواده در اسلام (انگلیسی، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی)، شرح دعای کامل (عربی، اردو، انگلیسی)، نویه آقوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت (ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی).

شبکه «تلوزیون اینترنتی معارف و عرفان» و نیز «موسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: www.erfan.ir، با اشراف ایشان در فضای مجازی فعال است.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## خبرگزاری شیعه نیوز

۱۴۰۱

دی

۱۹

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

یه گزارش «شیعه نیوز»، گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت‌الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضرید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان: باید باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و لعل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آئین‌های مختلف است، تقریباً همه آنها با اختلاف این‌ها ایشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه این‌ها پسر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این از این‌جا به اصل دین ندارد و دین از ابعادی کامل آن امتناع دارد اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معوقت به اوصاف و کمالات و زیبایی به نهایت حضور رب‌العزّة، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت(علیهم السلام) به ویژه دعاگاهی جون کمیل، عرفه سیدالشهدا(علیه السلام) و ابوحمزه ثعالی در قلب ظاهور می‌کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی اقامه‌الله و رضوان‌الله است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق‌الله است، باید گفت چنین عرفانی به منزه روح دین و حضای این‌ها و مایه و بایه دینداری می‌باشدیکی از پرسش‌هایی جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، ربطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است: نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟ انصاریان: فلسفه در اصل دانشی پیش‌ری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است: که الیه بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن پذیده‌امدن علوم جدید و بیزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد رابطه‌ای با عرفان خالص دیقی تداری اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان پیش‌ری اثنتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسانند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردائل اخلاقی و شایشهای پاک پاشد، طی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل اثیبا و امامان معصوم(علیهم السلام) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل و لا و یا ک از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق اثبات قرائی و دوایات اهل بیت(ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتוחات» محنی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شیستری و «صالحیه» ملاعی گنجاید و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم، بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت(ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد اثنتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و اثنتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.

رد پاسخ  
کاربرات حرامین  
شیعه شدن فلسفه  
سندریون، عدالت  
بیرونی سیاست

رد پاسخ  
کاربرات حرامین  
کاربرات حرامین  
شیعه شدن فلسفه  
سندریون، عدالت  
بیرونی سیاست

رد پاسخ  
شیعه شدن فلسفه  
سندریون، عدالت  
بیرونی سیاست



## میراث اسلامی شیعه نیوز

۱۴۰۱

دی

۱۹

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

تسیت «عرفان» یا «تصوف» چیست؟ موضع افتراء و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟ انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل گرایی و تن به راحت و استراحت سیبردن، جذلی دین از سیاست، مخالفت شدید با قیهان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، صلح و سازش با همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان یا تیک و بد سر کن که بعد از مردلت عرقی مسلمانات به زمزمه شوید و هندو سوسازند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکردیه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خالبیرداری، اباحدگری، ایجاد روح رخوت و مستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی بی تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیوهوده داشتن جنگ، تهمت به یا کان و تیکان در اشعار و مقایلات، ابانشه شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتبهای بودایی، هندوی، فلسفی، فرقه‌وریوسی، چشی و البته لندکی نیز از اسلام، ...

موضوع افتراء تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چنان قائل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جذاست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا حداد آقانهرانی، چندان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌دانند.

حضرت عالی نزاع دایی تاریخی فقهاء (أهل شریعت) با اهل معنا (أهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنند؟ انصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقهای شیعه روش می‌شود؛ چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی) که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل تادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) چون خود اهل بیت (علیهم السلام) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

ایما کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر تسیت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحبت و سقمه تجزیه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتبه به اسلام همان باشد که در «فتוחات» ابن عربی، «صالحیه» ملاعلی گنبلادی و «کلشن راز» تسبیتی امده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «ذکر» عطار، «طبقات صوفیه»، «حلیۃ الاحیاء» ابونعمی، «تفسیر روح البیان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقیقت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات تداریم، اما اگر مراد شهود قلبی انبیا و ائمه (علیهم السلام) و کرامات و خارق عادات انان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق تبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



آل اعراف

موسسه اداره المعارف علیف

درستگاه علومی تحقیقاتی اداره اعراف



## پدرگزاری شیعه نیوز

۱۴۰۹

دی

۱۹

### فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

اصاریان: عرقان شیعی، مرکب از سه مقوله «عمرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آتَيْنَا أُنْدُ حَنَّ لَهُ» (قرآن ۱۶/۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محترمات خالقی و باطنی «ولا تغروا الفواعش ما ظهر منها و ما بطن» (تعمیل ۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسن و عمل بر اساس فقه اهل بیت (علیهم السلام)، که جز این سه مرحله گمراحتی است، گرچه رنگ و لامع دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نویدی و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ ایا منشأ این مسئله، احسان خلاه معنوی ناب و اصولی است و یا پرورزهای سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ایمان‌الله می‌دانند؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

اصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیای امروز معلول و محصول خلاصه معنوی بشر است که مکتبهای مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاصه‌اند: اما سیاست‌گذاران جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استعمارچیان به شدت با پروردهایی دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلاصه‌ها می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند. راه مقابله با این خلاصه معنوی رسالت‌پیام اسلام ناب با رسائل‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به عمارت زینتی است؛ و به خصوص یابید از این وسائل مدنون در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه پسیار پرجاذبه از نظر ساختمن و اموری جون کتابخانه و پژوهشگاهی جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت ترمود و به تقویت و عاظه درس خوانده در حوزه‌ها و موردن تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واحد شرایط پرداخت و منابر و رادیو و تلویزیون را از هست بی‌سوادان و بی‌هنران و آنان که سخنرانی‌هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به حاضر اسلام همیشه معاشاتی را روانداشت. نیز لازم است جزویتی همین، استوار، مستدل، کم‌حجم، با جاذبه‌ای از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناسند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

اصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح خضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در ربطه با معنویت و یا الشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجدوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون معالمه کتب پرمحظوظ و نقاد، به مسائل روحی و عرفانی گرا گرایش پیدا کرد، و به تبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفان وقت، گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آوری حرصمنه برای پر کردن جیب خود از مال و مثال دنیا و بیول و ثروت در تکالیبندی، از این پدیده معنوی سوء استفاده کرده و به توشن و فروختن این گونه کتابها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



کل اعراف

موسسه اداره اعلیٰ المعرفت شیعی

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعلوم



دیدگاری شیعیان نیوی

۱۴۰۹

دی

۱۹

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در بازار آنان نوشته شده است، مرا وده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقاو و عمل صالح فردی شان بود. هیچکدام به اندازه یک میلیونیوم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برای استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روى این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در منابع و مجلات خصوصی ام اعلام کردند، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتقاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندن دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعیاس تربیتی است که این کتاب، کتاب متنی و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند داشمند و روشنگری مرحوم راشد تربیتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل تقلیل مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرشیان فرشین به دیگران معطوف نمایند، اگر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان گونه که اخلاق علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختصاری از این شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این ماره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً متألف اصول عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح برشمارید.

بنده اغلب جزوی ای که به غنوی معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، بیچجه و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرف‌آثمری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انسانی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر حد در حد عرفان قراری - اهل بیت باشد، قابل قبول است. این دروس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) و دارای نظمی خاص و بدون ابهام و بیجذبگی و برای دانشگاه‌های سیار جذاب باشند؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که اساتید خودشان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصدق عملی آن درس‌ها را با چشم سر و ذinde دل بینند؛ بلکه از طریق استاد در گردش اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود لسو و سروشی دیگران شوند.

کتابهایی مانند «محاجة اليسار»، فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد شتبهانی، «آدب فنا و مقربان» آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کامل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلقیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گرددم اوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تالیف نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصول شیعی برای عموم ادامه در صفحه بعد...



دانشگاه عرفان

موسسه دارالعرفان شیعی

برگزاری علمی تحقیقاتی دارالعرفان



دیدگاری شیعه نیوز

۱۴۰۹

دی

۱۹

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، قادر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

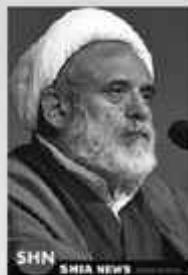
اثصاریان: با وجود خدمات و خدمات پدید آورده‌گان، بندۀ اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌رسنم، از طریق مثابر در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتاب‌ها گریزانند و فقط به خاطریه دست آوردن نموده آنها را می‌خواهند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و نیز پخش‌هایی از نهج‌البلاغه و صحیقه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ دیگر متون و لیسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است.



دارالعرفان

موسسه دارال المعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در داشکامها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، چقدر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بندۀ اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نهی نیستم، از طریق مثابر در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیده‌ام که از آن کتاب‌ها گریزانند و فقط به خاطریه دست آوردن نموده آنها را می‌خواهند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و نیز پخش‌هایی از نهج البلاغه و صحیقه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ دیگر متون و لیسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است.



دیارِ عرفان

میرکریم علی‌اللهی تحقیقاتی دارالعلوم

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند

۱۴۰۹

دی

۱۹



SHN SHIA NEWS

من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در بازار آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقاو و عمل صالح فردی شان بود. هیچکدام به اندازه یک میلیونیوم خمیتی بزرگ نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برای استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روى این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در منابع و مجالس خصوصی امام اعلام کردند، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتقاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعیاً تربیتی است که این کتاب، کتاب متنی و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند داشمند و روشنگری مرحوم راشد تربیتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل تقلیل مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرشیان فرشین به دیگران معطوف نمایند، اگر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر توشه شده باشد.

همان گونه که اخلاق علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختصاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملي در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این ماره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً متألف اصول عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح برشمارید.

بنده اغلب جزوی ای که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود، را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، بیچجه و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرف‌آثمری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انسانی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملي اسلام، اگر حد در حد عرفان قرائی - اهل بیتی باشد، قابل قبول است. این دروس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) و دارای نظمی خاص و بدون ابهام و بیجذبگی و برای دانشگاه‌های سیار جذاب باشند؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که اساتید خودشان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصدق علی آن درس‌ها را با چشم سر و ذinde دل بینند؛ بلکه از طریق استاد در گردش اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود لسو و سروشی دیگران شوند.

کتابهایی مانند «محاجة الپیضا»، فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد نشیانی، «ادب فنا و مقربان» آیت‌الله جوادی آملی، شرح دعای کامل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلقیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گرددم اوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تالیف دونوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصولی شیعی برای عموم ادامه در صفحه بعد...



دانشگاه عرفان

موسسه دارالعلوم شیعی

درستگاه علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند

۱۴۰۹

دی

۱۹



SHN SHIA NEWS

از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

انصاریان: عرقان شیعی، مرکب از سه مقوله «عمرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ أَتَمُوا أَنْتَهَا حَنَّا لَهُ» (بقره ۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محترمات خالقی و باطنی «ولا تغروا الفوایحش ما ظهر منها و ما بطن» (اعماد ۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسن و عمل بر اساس فقه اهل بیت (علیهم السلام)، که جز این سه مرحله گمراحتی است، گرچه رنگ و لامع دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی نویدی و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ ایا منشأ این مستلزم، احسان خلاه معنوی ناب و اصولی است و یا پرورزهای سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ایمان‌الله می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیای امروز معلول و محصول خلاه معنوی بشر است که مکتبهای مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاشده‌اند: اما سیاست‌گذاران جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استعمارچیان به شدت با پروردگاری دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلاه را پی‌می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند، راه مقابله با این خلاه معنوی رساندن پیام اسلام ناب با رسائل‌های صدا و سیما، مجلات، روزنامها و جذب نسل جدید به عمارت زینتی است؛ و به خصوص پایدز از این وسائل مدنون در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کنونی کشور اقدام کرد در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه پسیار پرجاذبه از نظر ساختمند و اموری جون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت تعمد و به تقویت و عاطف درس خوانده در حوزه‌ها و مور د تایید علمی مدارس دینی و عالمان واحد شرایط پرداخت و منابر و رادیو و تلویزیون را از هست بی‌سوادان و بی‌هتران و آنان که سخنرانی‌هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به حاضر اسلام همیچ معاشانی را روانداشت، نیز لازم است جزویتی هستن، استوار، مستدل، کم‌حجم، با جاذبه‌ای اندی از طریق دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناسند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ اثار مثبت و انسی‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در ربطه با معنویت و یا الشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجدوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون مطالعه کتب پرمحظوظ و نقاد، به مسائل روحی و عرفانی گرا گرایش پیدا کرد، و به تبال مباحث عرفانی و شرح حال عرفان رفت، گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آوری حرصمنه برای پر کردن جیب خود از مال و مثال دنیا و بیول و ثروت در تکالیف داشتند، از این یدیده معنوی سوء استفاده کرده و به توشن و فروختن این گونه کتابها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب هایی که پر از دلستان‌های غیرولائی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



کل اعراف

موسسه اداره المدارف شیعی

بررسی علمی تحقیقاتی دارالعلوم

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند

۱۴۰۹

دی

۱۹



SHN SHIA NEWS

تسیت «عرفان» یا «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

اصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول بین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند: دوری از عمل گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جذابیت دین از سیاست، مخالفت شدید با فقهیان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، صلح و سازش با همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان یا تیک و بد سر کن که بعد از مردلت عرقی

مسلمانات به زمزم شوید و هندو سوزاند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تأویلات نجمیه - به جای رویکردیه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خالبیرداری، اباحدگری، ایجاد روح رخوت و مستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی بی تفاوت بودن به جنگ امت با ستمگران و نهایتاً بیوهوده داشتن جنگ، تهمت به یاکان و تیکان در اشعار و مقایلات، ابانشه شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتبهای بودایی، هندوی، فلسفی، فلسفه اسلامی، فلسفه اسلامی، چشمی و البته لذکر نیز از اسلام، ...

موضوع افتراق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چنان قائل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جذاست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا حداد آقانهرانی، چنان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌دانند.

حضرت عالی نزاع دایی تاریخی فقهاء (أهل شریعت) با اهل معنا (أهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنند؟

اصاریان: در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقهای شیعه روش می‌شود؛ چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی) که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل تادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) چون خود اهل بیت (علیهم السلام) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

ایما کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر تسیت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحبت و سقم تجزیه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

اصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتبه به اسلام همان باشد که در «فتحات» ابن عربی، «صالحیه» ملاعلی گنبلادی و «کلشن راز» شبستری امده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «ذکر» عطار، «طبقات صوفیه»، «حلیله الولایه» ابونعمی، «تفسیر روح الایمان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقیقت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات تداریم، اما اگر مراد شهود قلبی ایما و آنمه (علیهم السلام) و کرامات و خارق عادات آنان است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق تبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



کلر عرفان

موسسه اداره المعارف شیعی

بررسک علمی تحقیقاتی دارالعلوم

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

یه گزارش «تبیه نیوز»، گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذراند مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت‌الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضرید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان: باید باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصل فکری و نظری اندیشمندان و لعل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آئین‌های مختلف است، تقریباً همه آنها با اختلاف این‌هاشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه این‌ها بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این از بساطی به اصل دین ندارد و دین از اضای کامل آن امتناع دارد اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معوقت به اوصاف و کمالات و زیبایی بی‌نهایت حضرت رب‌العزّة، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت(علیهم السلام) به ویژه دعاگاهی جون کمیل، عرفه سیدالشهدا(علیه السلام) و ابوحزمہ ثمّالی در قلب ظاهور می‌کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی اقامه‌الله و رضوان‌الله است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق‌الله است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفاتی این‌ها و مایه و بایه دینداری می‌باشدیکی از پرسش‌هایی جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، ربطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است: نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام واه کفايت می‌کند؟ انصاریان: فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است: که الیه بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن پذیده‌امدن علوم جدید و بیزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد ربطه‌ای با عرفان خالص دیقی تداری: اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان بشری اشتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسانند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردائل اخلاقی و شایشه‌ها پاک پاشد، طی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل اثیا و امامان معصوم(علیهم السلام) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل وala و یا دل از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق اثبات قرائی و دوایات اهل بیت(ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتוחات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شیستری و «صالحیه» ملاعی گنجاید و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم، بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت(ع)، ربطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد اثنتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و اثنتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.



## Mohsen Namjoo in Concert

Santa Clara (Jan 20) - Berkeley (Jan 26)

[Ticket Links](#)

جستجو  
کلمه کلیدی را وارد کنید و نتایج را بخواهد



نیچه ملی

امروز حالت جنگ طور ۱۷ نهم (۱۹۶۸)

بروز اخبار

آفتاب

حسین انصاریان: "دماری از روزگارمون در میارند که نتویم جبران کنیم"

۱۴۰۹

دی

۲۰

"بعد از ۱۵۰۰ سال حکومت را از نشمن گرفتیم، اسلحه را گرفتیم، بیت المال را گرفتیم و تحويل اهل بیت دادیم، برای حفظ این سه تیرو باید هر هزینه ای را پرداخت چون اگه دوباره بوسیله شمنان داخلی و صهیونیست خارجی و مسیحیت اروپایی و آمریکایی از ما این حکومت را بگیرند، اسلحه را بگیرند، بیت المال را بگیرند، دماری از روزگارمون در میارند که نتویم جبران کنیم..."



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم عربی  
درگاه علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان

۱۴۰۹

دی

۴۰



فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پیدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. به گوارش مشرق؛ گفتگویی که در زیر از نظر می گذرانید مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت‌الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می کنیم. همان‌گونه که مستحضرید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد؛ نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می دانید؟

استاد انصاریان؛ ابتدا باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و لعل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و این‌های مختلف است، تقریباً همه آنان با اختلاف این‌هاشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت داشتی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه این‌ها بشر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و با حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این ارتباطی به اصل دین ندارد، و دین از اضایای کامل آن امتناع دارد اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معرفت به اوصاف و کمالات و زیبایی به نهایت حضرت رب‌الغفار، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت(ع) به ویژه دعاها و چون کمیل، عرفه سیدالشهداء(ع) و ابوحمزه تمالی در قلب ظهور می‌کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی لقا‌الله و رضوان‌الله است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق الهی است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفاتی این و مایه و پایه دینداری می‌باشدیکی از پرستش‌های جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، رابطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است؛ نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام راه کفایت می‌کند؟

استاد انصاریان؛ فلسفه در اصل دانشی بشری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است؛ که البته بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن با پیدید آمدن علوم جدید و ابزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پروش ذهن و ذیشی و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد رابطه‌ای با عرفان خالص دینی ندارد؛ اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را یا عرفان بشری اشتباه داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن پسازند و انصار بر این دارند که آن راهی که قلسطه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردائل اخلاقی و شانیه‌ها پاک باشد، طی می‌کند. قلسطه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرشنست هست که ایا دلی غیر از دل اثیبا و امامان معموم(ع) به عرصه کشف و شهود عمل می‌کند؛ ولی جای این پرشنست هست که ایا دلی هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق اثبات قرائی و روایات اهل بیت(ع) در منظر ما وجود نداود، ادعاهایی که در این زمینه در «فتוחات» محی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شیستی و «صالحیه» ملاعی گتابداری و امثال این کتب می‌بینیم را نهی‌توانیم بپذیریم؛ بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان تاب قرآن و لعل بیت(ع)، رابطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد اشتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و اشتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم علوی

درستگاه علومی تحقیقاتی دارالعرفان

# اللهم علیٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ سَلَامٍ وَسُلَامٍ فَقُبْحٌ لِمَعْصِيْنِ مَنْ فِيْهِ آيَةٌ

بررسی اسلامی حداقت اندیشه برتر، اسلام و ایران

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

۱۴۰۹

دی

۲۰

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان



تبیت «عرفان» یا «تصوف» چیست؟ موضع افتراق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟

استاد انصاریان: اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها برخلاف اصول دین خدا و بخشی از فروع اسلامی است: مانند: دوری از عمل گرایی و تن به راحت و استراحت سپردن، جذابیت دین از سیاست، مخالفت شدید با فقیهان مکتب اهل‌بیت(ع)، صلح و سازش با همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان‌بنیک وید سر کن که بعد از مردنت عرفی مسلمانات به زعم شوید و هندو بیسوزاند

نزدیکی به پادشاهان ستمگر و تأمین مخارج خانقاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأبیل عجیب و غریب ایات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تأبیلات نجمیه - به جای رویکرد به قرآن و اهل‌بیت(ع) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خالی برداری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قصای الهی، بی تفاوت بودن به جنگ امت پا‌ستمگران و نهایتاً بیوهوده دانستن جنگ، تهمت به پاکان و نیکان در اشعار و مقلاط، ایاشته شدن کتب صوفیه از مطالعی که از مکتبهای بوذیان، هندویان، فلسفیانی، فرقه‌وروسی، چینی و البته آنکی نیز از اسلام... .

موضوع افتراق تصوف با عرفان و شترکاکش با آن چنان قابل توجه نیست. هر دو مکتب در بعض از امور مثل حال باطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند مبدأ پیدایش و برخی از قواعد از هم جداست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا جواد آقانهاری، چنان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست بلکه هر دو را یک مسلک با دو نام می‌داند.

حضرت‌عالی نزاع دائم تاریخی فقهاء (أهل طریقت)، به ویژه شریعت (أهل طریقت)، به سیر متصرفه (را جکونه تفسیر می‌کنید)؛ استاد انصاریان: در مجموع با توجه به سیر متصرفه و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقهاء شیعه روشن می‌شودا چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (نه عارفان حقیقی) که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراپ می‌شوند) و متصرفه و به عمارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حائیه و اندنه شدن فقه و موجب خطر تأبیل نادرست ایات و روایات می‌دانستند و از این وحشت دانستند که مکتب اهل بیت(ع) چون خود اهل‌بیت(ع) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

ایا کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر نسبت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحت و سقم تجربه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

استاد انصاریان: اگر مراد از کشف و شهود در عرفان متسرب به اسلام همان باشد که در «التوحات» ابن عربی، «osaljih» ملاعلی گنایادی و «کلشن دراز» شیبستری امده، مراد از خارق عادت آن باشد که در «ذکر» اعظم، «طبقات صوفیه»، «طبیعت‌الاولیا»، ابوعیغم، «تفسیر روح‌البلایان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلایلی بر حقیقت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات نداریم، اما اگر مراد شهود قلبی آنیا و آئمه(ع) و کرامات و خارق عادات آن است، در صریح قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق نبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



موسسه‌دار المعارف عربی  
درستگاه علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان



از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شیعی چیست؟

استاد انصاریان: عرفان شیعی، مرکب از سه مقوله «اعترفیت»، «اعشق به حق»، «وَالَّذِينَ آتُوا أَنْشُدَ حَبَّا لِلَّهِ» (قرآن ۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است: سلوک عرفانی اسلامی شیعی با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از محرومات ظاهری و باطنی «وَلَا تَقْرِبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا يَبْطُنُ» (العام ۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسته و عمل بر اساس فقه لهلیت (ع)، که جز این سه مرحله گمراهی است، گرچه رنگ و لامب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معنویت‌گرایی تبدید و عرفان‌های جدید در جهان چیست؟ آیا منشاً این مستله، احساس خلاه معنویت ناب و اصبیل است و یا پرورزهای سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ایمان الهی می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

استاد انصاریان: قطعاً موج معنویت‌گرایی در دنیا امروز معلوم و مخصوص خلاه معنوی بشر است که مکتبهای مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاشده‌اند؛ اما سیاست‌بازان جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استعمارچیان به شدت با پرورزهای دین‌سازی و عرفان‌سازی جدید، پرکردن این خلا را به می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت (ع) جلوگیری کنند.

راه مقابله با این خلا معنوی رساندن بیام اسلام ناب با وسائلهای صدا و سیما، مجلات، روزنامه‌ها و جذب نسل جدید به معارف دینی است؛ و به خصوص باید از این وسائل مدنون در شناساندن خطرات عرفان‌های کاذب به نسل کوئنی کشور اقدام کرد در این زمینه تیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه پسیار پرچاره از نظر ساختمان و اموری جون کتابخانه و برتامهای جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت نمود و به تقویت و عاظ درس خوانده در جزوها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واجد شرایط پرداخت و منابع رادیو و تلویزیون را از هست بی‌سوادان و بی‌هنوان و انان که سخنواری هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به‌خاطر اسلام هیچ مماثشی را روانداشت. تیز لازم است جزوی متین، استوار، مستدل، کم‌حجوم، با جاذبه ایمنی از طریق داشکشامها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناساند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتاب‌های شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار متبت و انسیه‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

استاد انصاریان: سخنواری‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی (ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رایطه با معنویت و یا اشارات ایشان به مسائل عرفان، نسل ما را مجدوب عرفان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فق و بدون مطالعه کتب پرمحثتو و تقادیر، به مسائل روحی و عرفانی گرا گواشی پیدا کرد، و به دنبال مباحث عرفانی و شرح حال عروفا رفت. گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست این‌گزینی حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و منال دنیا و پول و ثروت در تکاپویند، از این یدیده معنوی سوء، استفاده کرده و به توشیح و فروختن این‌گونه کتاب‌ها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب‌هایی که پر از داستان‌های غیرواقعی و کشف و کرامات ساختگی بوده است. ادامه در صفحه بعد...



کل اعراف

موسسه اسلامی هدایت  
میرکو علمی تحقیقاتی دارالعرفان

# اللَّهُمَّ عَلَيْ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَسْطَرْهِ وَسَقْرَتْهِ فِي نَعْمَةِ الْعَصُوبِينَ مِنْ فَرِيهَ آئِنَّ

بررسی: اسرائیل حداشت زندگان سرتیپ، اسلام ریحان

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان

۱۴۰۹

دی

۴۰



من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در باره آنان نوشته شده است، مواجه و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طبیعت بودم، اما آنچه این بازارگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقاو و عمل صالح فردی‌شان بود هیچکدام به این‌راسته یک میلیونیوم خمینی پرور نه با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برای استبداد و استعمار مبارزه کردند و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دغدغه آنان انجام دادند؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ایروی خود کاری نداشتند! روی این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در منابع و مجالس خصوصی‌ام اعلام کردم، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتقاق و تحریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها گتابی که در این مورد مفارش به خواندنش دارم «قضیت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعیباس تربیتی است که این کتاب، کتاب متین و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی اخوند در آن به قلم فرزند داشمند و روشنگریش مرحوم راشد تربیتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اجلیست و کرامات آن عرشیان فرشین به دیگران معطوف نمایند، اثر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان گونه که اخلاق عاریه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختیاری از لاهه می‌شود «درس عرفان عملی در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این ماره پیشنهاد می‌کنید؟ اطفاً منابع اصیل عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح پژوهش ارائه می‌نمایید.

بنده اغلب جزوی ای که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، بیجیده و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرف‌آلت توری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انسانی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملی اسلام، اگر صد درصد عرفان قرآنی - اهل‌بیتی باشد، قابل قبول است. این دروس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل‌بیت(ع) و دارای نظمی خاص و بدون ابهام و بیجذبگی و برای دانشگاهیان سیار جذاب باشد؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که اساتید خودشان به تحقیق ناب اخلاق و عرفان آزاده باشند تا دانشجو مصالق عمیقی از درس‌ها را بای چشم سر و دیده دل بینند؛ بلکه از طریق استاد در گردش اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود اسوه و سرمشق دیگران شوند.

کتاب‌هایی مانند «محاجة الپیضا» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد اشتبانی، «ادب فنا مقتبیان» ایت الله جوادی املی، شرح دعای کامل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلقیق از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گردهم اوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تألیف دو نوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصیل شیعی برای عموم.

ادامه در صفحه بعد...



دانشگاه عرفان

موسسه اسلامی تحقیقاتی دارالعرفان

برگزیر علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان



همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس عمارت اسلامی در داشگاهها را رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲)؛ به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، قدرتمند تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

استاد انصاریان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بنده اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌رسنم، از طریق مثابه در شهرهای مختلف، از بدخشان مطلع شدم که از آن کتابها گریزانند و فقط به خاطر به دست آوردن نمره آنها را می‌خواهند! پس اثر چنان مطلعی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان ندارد به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصراً به آنها مطلع شوند ایمان و عقاید و حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و تیز بخش‌هایی از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان شنیده‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ دیگر متون باشند به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید متور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است. در پیان از بدل توجه و اختصاص وقتی که به معارف و مخاطبان فرهیخته آن ناید، تشکر می‌کنم.

من هم از شما منتظرم، موفق باشید.

استاد انصاریان در یک نگاه:

استاد شیخ حسین انصاریان در سال ۱۳۳۳ شمسی در شهر عالم پرور خوانسار متولد شد پدر و مادر او از دو خاندان شناخته شده و خدمتگذار به دین و علم در آن دیار بوده است. استاد در خاطره‌ای از سن ۳ سالگی خود، بیان می‌کند: «روزی آیت‌الله العظمی محمد تقی خوانساری (ره) به منزل جد ما آمد و بود من در سینه کودکی در اتاق را باز کردم و مستقیم به طرف آیت‌الله خوانساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدر بزرگم جلو آمد که من را به اندرون ببرد. آیت‌الله خوانساری خوی او را گرفت و مرانوازش کرد و از من پرسید: می‌خواهی در اینده چکاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد هر گاه شیع آن خاطره از نهضم می‌گذرد، و یاد آن چهره علکوتی و دعای آن بزرگوار که می‌افتخ، یکی از شیرین ترین خاطرات عمرم در نهضم تداعی می‌شود».

وی در سویین بهار زندگی، همراه خانواده به تهران منتقل شد و در یکی از محله‌های منشعبی آن شهر - خیابان خراسان - سکونت گزید. در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره)، محور علمی آن منطقه و امام جماعت مسجد لر زاده بود. آن مرحوم مدرس‌هایی را در آن منطقه بنا نهاد که شاگردانش از کلاس اول تحت تربیت مستقیم خود او قرار گرفته بودند. به این ترتیب استاد انصاریان از همان اوان کودکی محضر پروریش آن استاد را پذیرفت راه شیر خوانسار، آیت‌الله سید حسین علی از مجتهدان سرشناس خوانسار، مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی این الرضا خوانساری و مرحوم آیت‌الله الہی قمشه‌ای، مأمور بود.

ادامه در صفحه بعد...



# اللهم صل علی محمد و دع و فاطمہ و ارشد فخری این قریب نعمت مخصوصین من فرمیده ای

بررسی: اسیوسی حداقت زندگان سرتیپ، اسلام ریحان

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

## گفتگوی ویژه با استاد انصاریان پیرامون عرفان

۱۴۰۹

دی

۴۰



تحصیلات استاد حسین انصاریان در دو حوزه علمی تهران و قم بوده است. در تهران محضر عالم ربانی آیت‌الله میرزا علی فلسفی - که جزء مددود کسانی بود که مرحوم آیت‌الله العظمی خوبین کتابی به اجتهد او تصریح کرد - درک نمود وی در حوزه علمی قم نیز محضر بزرگانی جون آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی، حاج آقا حسین فاضلی، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت‌الله محمدی گیلانی و آیت‌الله صالحی نجف ابادی را درک نمود و پیره‌ها بود. سپس در مرحله استنباطی فقه و اصول - درس خارج - از محضر فقهای عظامی همچون: آیت‌الله سید محمد محقق داماد، آیت‌الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوشابی و به ویژه آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم امی لاریجانی، استفاده نمود.

استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی حوزوی، به منظور نیل به هدف عالی تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی، از حوزه علمی قم به تهران مراجعت نمود که بیش از چهل سال در داخل و خارج کشور مشغول خدمت در انجام وظایف الهی خود بوده و هست.

از زیارت بیش از هزار ساعت سخنرانی و بیش از هشتاد عنوان کتاب در قالب ۱۲۰ مجلد، گزارش کوتاه و گویانی از خدمات علمی و دینی استاد انصاریان است.

فهرست برخی از تألیفات فارسی ایشان عبارتند از: ترجمه قرآن کریم، ترجمه تهجیج البلاعه، ترجمه صحیفه سجادیه، دیار عاشقان (تفسیر و شرح صحیفه سجادیه در ۱۵ جلد)، ترجمه و بازنمایی مقابیح الجنان، شرح دعای کمیل (۲ جلد)، اهل بیت (ع) عرشیان فرش تشیین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه در ۱۵ جلد)، موسی جان، سیری در معارف اسلامی (۱۸ جلد)، جلوه‌های رحمت الهی، فرهنگ مهرورزی، زیبایی‌های اخلاق، بر بال اندیشه (۲ جلد)، با کاروان نور، لفمان حکم، فروغی از تربیت اسلامی، رسائل حج، دیوان مسکین (مجموعه شمار عرقانی)، پوشنش‌ها و پاسخ‌ها (۵ مجلد)، نظام خانواده در اسلام، اسلام و علم و دانش، امام حسن بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، معنویت اسلامی ترین نیاز عصر ما، اخلاق خوبان، در بارگاه نور، چهره‌های محبوب و منفور قرآن، راهی به سوی اخلاق اسلامی، ولایت و رهبری از دیدگاه تهجیج البلاعه، مجموعه مقالات، نفس، و... .

همچنین آثاری چند از استاد، تا کنون به زبانهای خارجی ترجمه و چاپ شده، که برخی از عناوین آنها عبارتند از: با کاروان نور (انگلیسی)، نظام خانواده در اسلام (انگلیسی، اردو، روسی، ترکی استانبولی، عربی)، شرح دعای کمیل (عربی، اردو، انگلیسی)، توبه آغوش رحمت (عربی، انگلیسی، اسپانیولی، اردو)، اهل بیت (ع) (عربی، اردو، انگلیسی، روسی)، معاشرت (عربی، اردو، انگلیسی).

تیکه «لنوزیون اینترنتی معارف و عرفان» و نیز «موسسه دارالمعارف شیعی» (مرکز دارالعرفان شیعی) به نشانی: www.erfan.ir، با شرافت ایشان در فضای مجازی فعال است.



موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



پبلیک میقان

۱۴۰۹

دی

۲۲

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

همانگونه که می‌دانید، در حال حاضر دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها با رویکرد فلسفی - کلامی عرضه می‌شود (به ویژه اندیشه اسلامی ۱ و ۲): به نظر شما این رویکرد و تمرکز بر براهین فلسفی، قادر می‌تواند در تقویت ایمان و اعتقاد و جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین گریزی آنها مؤثر باشد؟

اثصاراتیان: با وجود زحمات و خدمات پدید آورندگان، بندۀ اندیشه اسلامی ۱ و ۲ را برای دانشجویان به عنوان اندیشه اسلامی ناب نمی‌رسنم، از طریق منابر در شهرهای مختلف، از برخی دانشجویان هم شنیدم که از آن کتاب‌ها گریزانند و فقط به خاطریه دست آوردن نموده آنها را می‌خواهند! پس اثر چندان مطلوبی در حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی آنان ندارد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مختصری به اندازه همین کتاب‌ها و حجم آنها از آیات قرآن در زمینه حفظ ایمان و عقاید و جلوگیری از دین گریزی و نیز پخش‌هایی از نهج البلاغه و صحیقه سجادیه و روایات مربوطه به صورتی زیبا با عنوان‌بندی‌های جذاب و به شکلی منظم به عنوان اندیشه اسلامی ۱ و ۲ دیگر متون و لیسته به این رشته تدوین شود، چون هر سه از نور وحی و ولایت صادر شده، اثر فوق العاده‌ای بر مخاطب خود دارد و دل‌ها را آن چنان که باید منور می‌کند و قدمها را در مسیر دین ثابت نگاه می‌دارد و درس گریزی را علاج می‌کند و دانشجویان را با اسلام ناب محمدی (ص) آشنا می‌سازد. پس باید هر چه زودتر این کار انجام گیرد که بسیار دیر است.



دَارُ الْعِرْفَانِ  
موسسه دارالعرفان  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

من سالیان طولانی با برخی از کسانی که این گونه کتابها در بازار آنان نوشته شده است، مراوده و معاشرت داشتم، و با این که خود به شدت در طلبش بودم، اما آنچه این بازرگانان ثروت نوشته‌اند، از آنان ندیدم! کرامات اینان فقط در تقاو و عمل صالح فردی شان بود. هیچکدام به اندازه یک میلیونیوم خمینی بزرگ ته با مردم بودند، نه برای دین و مردم در برای استبداد و استعمار مبارزه کردن و نه کار چشم‌گیری برای مردم و دفعه‌های آنان انجام داشت؛ بلکه برخی از آنان جز عبادت فردی و حفظ شخصیت و ابروی خود کاری نداشتند! روى این حساب من اکثر آن کتابها را چنان که در منابع و مجالس خصوصی امام اعلام کردند، قبول ندارم، بنده آن کتاب‌ها را فقط وسیله ارتقاق و تخریب عقاید حقه مردم می‌دانم. البته تنها کتابی که در این مورد سفارش به خواندنش دارم «فضیلت‌های فراموش شده» شرح حالات آخوند ملاعیاً تربیتی است که این کتاب، کتاب متنی و درستی است و کرامات اخلاقی و عملی آخوند در آن به قلم فرزند داشمند و روشنگری مرحوم راشد تربیتی بیان شده و در تربیت و رشد طلاب و نسل انقلاب مؤثر است. دیگر کتاب‌ها جز این که نگاه مردم را از اهل بیت و کرامات آن عرشیان فرشین به دیگران معطوف نمایند، اگر دیگری ندارد و شاید بدون توجه مؤلفانش به همین خاطر نوشته شده باشد.

همان گونه که اخلاق علاوه بر درس اخلاق اسلامی در دانشگاه، یکی از دروس معارف اسلامی که به شکل اختصاری ارائه می‌شود «درس عرفان عملي در اسلام» است. نظر شما در این باره چیست؟ استاد این درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ آیا شما خود طرح مطالعاتی خاصی در این ماره پیشنهاد می‌کنید؟ لطفاً متألف اصول عرفان اسلامی را برای استاد و دانشجو - به تفکیک سطح برشمارید.

بنده اغلب جزوی ای که به عنوان معارف اسلامی تدریس می‌شود را به عنوان معارف ناب قبول ندارم؛ زیرا آمیخته‌ای از فلسفه و کلام است و برای دانشجویان، بیچجه و گاهی غیر قابل درک و به صورت غیرکاربردی و صرف‌آثمری است. علاوه بر آن که این مباحث اخلاقی هم گاهی مخلوط با نقل شده‌های کتب یونانی شده است و بیشتر محتوای ادبی و انسانی دارد و از آیات قرآن و روایات در زمینه اخلاق، چنان که باید استفاده نشده است.

درس عرفان عملي اسلام، اگر حد در حد عرفان قرآنی - اهل بیتی باشد، قابل قبول است. این دروس باید برگرفته از قرآن و مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) و دارای نظمی خاص و بدون ابهام و بیجذبگی و برای دانشگاه‌های سیار جذاب باشند؛ و باید اساتیدش با زبان حال آن را به دانشجویان انتقال دهند. این در صورتی است که اساتید خودشان به حقایق ناب اخلاق و عرفان آراسته باشند تا دانشجو مصدق علی آن درس‌ها را با چشم سر و ذinde دل بینند؛ بلکه از طریق استاد در گردش اخلاق و عرفان قرار گیرند، و خود لسو و سروشی دیگران شوند.

کتابهایی مانند «محاجة الپیضاء» فیض کاشانی، «جامع السعادات» ملامهدی نراقی، مؤلفات میرزا احمد نشیانی، «آدب فنای مقربان» ایتالله جوادی آملی، شرح دعای کامل حقیر، و از همه بهتر اگر بتوان تلقیقی از همه آنها به دست داد، را سفارش می‌کنم. البته مؤسسه دارالعرفان با گرددم اوردن اساتیدی مؤمن و مخلص و محقق، در صدد تالیف دونوع کتاب عرفانی است؛ یکی برای تدریس در لایه‌های مختلف دانشجویی و دیگری شرح حال عرفای اصولی شیعی برای عموم ادامه در صفحه بعد...



دانشگاه عرفان

موسسه دارالعرفان

برگزاري علمي تحقیقاتی دارالعرفان

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

...

از نظر شما مؤلفه‌های عرفان و سلوک ناب اسلامی - شبیه چیست؟  
انصاریان: عرقان شیعی، مرکب از سه مقوله «معرفت»، «عشق به حق»، «وَالَّذِينَ آتَيْنَا أَنْتَ حَنْفَةُ لَهُ» (بقره/۱۶۵)، و «عمل و حرکت» است؛ و سلوک عرفانی اسلامی شبیه با توجه به آیات و معارف حقه نهایتاً عبارت است از: اجتناب از مجرمات خالقی و باطنی «ولا تغروا القوافلش ما ظهر منها و ما بطن» (اعماد/۱۵۱)، تخلق به اخلاق حسن و عمل بر اساس فقه اهل بیت(علیهم السلام)، که جز این سه مرحله گمراحتی است، گرچه رنگ و لاماب دینی داشته باشد.

تحلیل شما از موج معموبیت‌گرایی نوید و عرقان‌های جدید در جهان چیست؟ ایا منشأ این مستلزم، احسان خلاء معنوی ناب و اصولی است و یا پرورزهای سیاسی برای تحت تأثیر قرار دادن ایمان‌الله می‌باشد؟ به نظر شما بهترین راه مقابله با این موج یا هدایت و مدیریت آن در ایران اسلامی چیست؟

انصاریان: قطعاً موج معموبیت‌گرایی در دنیای امروز معلول و محصول خلاً معنوی بشر است که مکتبهای مادی و الحادی در شرق و غرب سبب این خلاً شده‌اند؛ اما سیاست‌گزاران جهانی و ملحدان به کار گرفته از طرف استعمارگران و استعمارچیان به شدت با پروردگاری دین‌سازی و عرقان‌سازی جدید، پرکردن این خلاً را پی‌می‌گیرند تا از رشد جهانی دین اسلام و مکتب ناب قرآن و اهل بیت(ع) چوگیری کنند؛ راه مقابله با این خلاً معنوی رساندن پیام اسلام ناب را رسائمهای صدا و سیما، مجلات، روزنامها و جذب نسل جدید به عمارت زینتی است؛ و به خصوص پایدز از این وسائل مدنون در شناساندن خطرات عرقان‌های کاذب به نسل کتونی کشور اقدام کرد در این زمینه نیز واجب و ضروری است مساجد و حسینیه‌ها را به هر شکل ممکن تبدیل به حوزه بسیار پرجاذبه از نظر ساختمان و اموری چون کتابخانه و برنامه‌های جذاب مستمر سالانه به ویژه در اوقات فراغت ترمود و به تقویت و عاطف درس خوانده در حوزه‌ها و مورد تأیید علمی مدارس دینی و عالمان واحد شرایط پرداخت و منابر و رادیو و تلویزیون را از هست بی‌سوادان و بی‌هتران و آنان که سخنرانی‌هایشان مردم و نسل را دین‌گریز می‌کنند گرفت و در این زمینه به حاضر اسلام همچو عماشانی را روانداشت، نیز لازم است جزویتی همین، استوار، مستدل، کم‌حجم، با جاذبه‌ای از طریق داشگاهها، مدارس، ادارات، مساجد، در اختیار نسل جدید قرار داد و خطرات و دشمنان را به آنان شناسند.

تحلیل شما از گسترش نشر و استقبال روزافزون از کتابهای شرح احوال عرفاء و اهل معنا در جامعه چیست؟ آثار مثبت و آسیب‌های محتمل این امر را چه می‌دانید؟

انصاریان: سخنرانی‌های ناب و صحیح حضرت امام خمینی(ره) در اوایل پیروزی انقلاب و چند سال پس از آن در رابطه با معموبیت و یا الشارات ایشان به مسائل عرقان، نسل ما را مجدوب عرقان نمود بخشی از این نسل بدون مراجعه به اهل فن و بدون معالمه کتب پر محتوا و نقاد، به مسائل روحی و عرقان‌گرا گرایش پیدا کرد، و به تبال مباحث عرقانی و شرح حال عرقاً وقت، گروهی از کسانی که در هر زمان با هر دست‌آوری حریصانه برای پر کردن جیب خود از مال و مثال دنیا و بول و ثروت در تکالیف داشتند، از این یدیده معنوی سوء استفاده کرده و به توشن و فروختن این گونه کتابها در شرح احوال اشخاص گذشته و معاصر پرداختند؛ کتاب هایی که پر از دلستان‌های غیرولائقی و کشف و کرامات ساختگی بوده است.

ادامه در صفحه بعد...



## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

تسیت «عرفان» یا «تصوف» چیست؟ موضع افترق و اشتراک آنها چیست و یا کجاست؟ انصاریان؛ اولاً با مطالعه دقیق در آثار متصوفه پیش و پس از اسلام، اموری به دست می‌آید که دست کم برخی از آنها بر خلاف اصول بین خدا و بخشی از فروع اسلامی است؛ مانند؛ دوری از عمل گرایی و تن به راحت و استراحت سبردن، جذلی دین از سیاست، مخالفت شدید با قیهان مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، صلح و سازش با همه پیروان مکتبها و به عبارت دیگر صلح کلی بودن؛ چنان یا نیک و بد سر کن که بعد از مردلت عرفان مسلمانات به زمزمه شوید و هندو سوزاند

نزدیکی به یادشاون ستمگر و تامین مخارج خانقاها از طریق شاه و درباریان و خوردن هرگونه مالی که به صوفی هدیه شود، تأویل عجیب و غریب آیات قرآن و روایات - از باب نمونه تفسیر ابن عربی و تاویلات نجمیه - به جای رویکردیه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) رویکرد شدید به شعر و شاعری و خالی پردازی، لایحه گری، ایجاد روح رخوت و سستی در امت تحت عنوان رضا به قضای الهی؛ بنی تفاوت بودن به چنگ امت با ستمگران و نهایتاً پیوهوده داشتن چنگ، تهمت به یاکان و تیکان در اشعار و مقایلات، ابانشه شدن کتب صوفیه از مطالبی که از مکتبهای بودایی، هندوی، فلسفی، فرقه‌ای، قرآنی، چشی و البته اندکی نیز از اسلام، ...

موضوع افترق تصوف با عرفان و اشتراکش با آن چنان قائل توجه نیست. هر دو مکتب در بعضی از امور مثل حال باطنی با هم مشترک و در بعضی از امور مانند میداپدایش و برخی از قواعد از هم جذاست. کتاب «عارف و صوفی» مرحوم حاج میرزا حداد آفانه‌رانی، چنان تفاوتی بین عارف و صوفی قائل نیست، بلکه هر دو رایک مسلک با دو نام می‌دانند.

حضرت عالی نزاع نایم تاریخی فقهاء (اهل شریعت) با اهل معنا (أهل طریقت، به ویژه متصوفه) را چگونه تفسیر می‌کنند؟ انصاریان؛ در مجموع با توجه به سیر تصوف و عرفان و مسائل بیان شده در هر دو مکتب که به اجمال در سه بخش قبل بیان شد، حق بودن نزاع فقهاء به ویژه فقهای شیعه روشن می‌شود؛ چرا که نزاع فقهاء با عارفان اصطلاحی (بن عازفان حقیقی که از مشرب عرفان ناب شیعی سیراب می‌شوند) و متصوفه و به عبارت دیگر اهل طریقت، به این علت بوده که رواج این مکتب را در امت سبب هدم دین و به حاشیه رانده شدن فقه و موجب خطر تأویل تادرست آیات و روایات می‌دانستند و از این وحشت داشتند که مکتب اهل بیت (علیهم السلام) چون خود اهل بیت (علیهم السلام) از جامعه جدا شود و محبوس گشته، امت از آن محروم شوند.

ایما کشف و شهود در عرفان اسلامی حجت دارد؟ به عبارت دیگر تسیت خارق عادت و یا کرامت با حقیقت چیست؟ ملاک اثبات صحبت و سقمه تجزیه‌های عرفانی چه می‌باشد؟

انصاریان؛ اگر مراد از کشف و شهود در عرفان منتبه به اسلام همان باشد که در «فتוחات» ابن عربی، «صالحیه» ملاعلی گنبلادی و «کلشن راز» شیستری امده، و مراد از خارق عادت آن باشد که در «ذکر» عطار، «طبقات صوفیه»، «حلیله الابیله» اینمعنی، «تفسیر روح الایمان» و «کیمیای محبت» ضبط شده، باید گفت: هیچ دلیلی بر حقیقت کشف و شهود ادعا شده از قرآن و روایات تداریم، اما اگر مراد شهود قلبی ایما و آنمه (علیهم السلام) و کرامات و خارق عادات اثان است، در صوبی قرآن و روایات به عنوان حقیقت و کاری که مصدق تبوت و امامت است، به صورت فراوان بیان شده است.

ادامه در صفحه بعد...



کلر عرفان

موجبه: دارالعلوم عرفان

درستگاه علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## فقهای شیعه رواج عرفان و تصوف را سبب هدم دین می‌دانستند



SHN SHIA NEWS

به گزارش «تبیه نیوز»، گفتگویی که در زیر از نظر می‌گذراند مصاحبه نشریه معارف با استاد حجت‌الاسلام و المسلمین انصاریان پیرامون عرفان مصطلح و تصوف است که توجه شما را به این گفتگو جلب می‌کنیم. همان‌گونه که مستحضرید در مورد خاستگاه «عرفان اسلامی» نظریه‌های متعددی وجود دارد نظر شما در این باره چیست؟ نسبت عرفان با دین را چه می‌دانید؟

انصاریان: باید باید به این حقیقت توجه کرد که اگر منظور از عرفان، محصول فکری و نظری اندیشمندان و لعل حال جوامع گوناگون و ملت‌ها و آئین‌های مختلف است، تقریباً همه آن‌ها با اختلاف این‌هاشان بر اصول و بخش عمده‌ای از فروع آن اجماع دارند و به صورت دانشی نظری که در حدی هم قابل عمل است درآمده و تحت عنوان عرفان ارائه شده، که بخشی مبتنی بر فطرت انسان هاست و این منبع در همه این‌ها پسر مشترک است و البته بخشی تحت تأثیر فرهنگ‌های جوامع و یا حالات روحی و روانی اشخاص می‌باشد و بنابر این از بساطی به اصل دین ندارد و دین از اضای کامل آن امتناع دارد. اما اگر مقصود از عرفان، عشق سوزانی است که از معوقت به اوصاف و کمالات و زیبایی‌های نهایت حضرت رب‌العزّة، از طریق قرآن و معارف اهل‌بیت(علیهم السلام) به ویژه دعاگاهی جون کمیل، عرفه سیدالشهدا(علیه السلام) و ابوحزمہ ثمالی در قلب ظاهور می‌کند و موتوری برای حرکت انسان به سوی اقامه‌الله و رضوان‌الله است و عامل عمل به خواسته‌های حق و رنگ گرفتن از اخلاق‌الله است، باید گفت چنین عرفانی به منزله روح دین و صفاتی این‌ها و مایه و بایه دینداری می‌باشدیکی از پرسش‌هایی جدی و دل‌مشغولی‌های اندیشمندان بزرگ اسلامی، ربطه «عرفان و فلسفه» یا راه «دل و عقل» است: نظر شما در این باره چیست؟ برای وصول انسان به حقیقت، کدام واه کفايت می‌کند؟ انصاریان: فلسفه در اصل دانشی پیش‌ری است که بر پایه استدلال برای اثبات حقایق طبیعی و نظری بنا شده است: که الیه بسیاری از امور مربوط به بخش طبیعی آن پذیده‌امدن علوم جدید و بیزار نو، از میان رفته و باطل شده است. بخش علمی و معارفی فلسفه که در پرورش ذهن و اندیشه و در حد پخته شدن عقل باقی مانده، به نظر می‌رسد ربطه‌ای با عرفان خالص دیقی تداری: اما بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند فلسفه را با عرفان پیش‌ری اثنتی داده و مکتبی فلسفی - عرفانی از آن بسانند و اصرار بر این دارند که آن راهی که فلسفه برای اثبات موضوعی به کمک استدلال طی می‌کند، همان راه را دل در صورتی که از همه ردائل اخلاقی و شاینه‌ها پاک پاشد، طی می‌کند. فلسفه از طریق دلیل، دل از طریق کشف و شهود، عمل می‌کند؛ ولی جای این پرسش هست که آیا دلی غیر از دل اثیبا و امامان معصوم(علیهم السلام) به عرصه کشف و شهود راه دارد یا نه؟ اگر دارد دل چه طایفه‌ای؟ و نمونه آن دل وala و یا دل از هر عیب و نقص، دل کیست؟ با توجه به این که شاهد روشنی بر اثبات کشف و شهود اهل دل، از طریق اثبات قرائی و دوایات اهل بیت(ع) در منظر ما وجود ندارد، ادعاهایی که در این زمینه در «فتحوات» محنی‌الدین عربی و شرح «گلشن راز» شیستری و «صالحیه» ملاعی گنجاید و امثال این کتب می‌بینیم را نمی‌توانیم بپذیریم، بنابر این عرفان اصطلاحی نه عرفان ناب قرآن و اهل بیت(ع)، ربطه‌ای قوی و مستحکم با فلسفه ندارد؛ و به نظر می‌رسد اثنتی بین این دو رشته، به زور و به دور از انصاف صورت گرفته است و اثنتی عقلی و علمی به نظر نمی‌رسد.

## ماجرایی خواندنی از زیان استاد شیخ حسین انصاریان وقتی امام رضا(ع) ضامن بک لات جیب بر شد



حضرت رضا(ع) را در خواب دیدم که با محبتی خاص به من فرمودند: در این سفر ابراهیم جیبیر را همراه خود بیاور. از خواب بیدار شدم در حالی که در تعجب بودم که چرا از من خواسته شده چنین شخص فاسق و فاجری را که در بین مردم بسیار بندام است به مشهد ببرم

زندگی بزرگان مخصوصاً اولیای الهی دانشگاهی است انسان ساز که شاگردان آن سلطانها و ابودرهای هستند و بهترین عمل تدبیر و تدقیر و اندیشه در زندگی اولیاء الهی است.

زیباترین صورت‌های متشوق حقیقی در هر زمان و مکانی تعامن فرزندان آدم(ع) را به عشق بازی فرا می‌خواند، اما آن‌زادگان جنان سرگرم خورد و خوارک و پوشاند که از تمام فریادهای بلند جهان هستی حتی تدابی خصیف را نمی‌شنود.

حضرت امیر المؤمنین(ع) در بیانی نورانی می‌فرمایند: ما به عبرت پسر سیار است، ولیکن عبرت اموزان اند کار و ندای ملکوتی فرشته وحی به تعامن پسر امر می‌کند: اگر دلی بیدار باشد خواهد دید که سراسر جهان هستی فریاد برمی‌آورند، یکی هست و نیست جزو.

لیکن اقتصادی زندگی عادی، انسان را از مسیر حق غالب می‌کند؛ لذا خداوند انبیاء و اولیاء خود را برای بیدار کردن فقط خفته بشر می‌فرستد تا شاید انسان خاک تشنین نظری به اخلاص کند و همراه اخرين فرستاده خود تقلیل اکبر و نور میمین قرآن کریم را نازل می‌کند و در آن قسمه و داستان گذشتگان را بیان می‌کند تا شاید «عبرت اموزان» عبرت بگیرند.

در ادامه حکایتی درباره توبه می‌خواید که حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان آن را در کتاب خود با نام "داستان‌های عبرت اموز" اینگونه نقل کرده‌اند:

شیخی در شهر قم به نماز قیمه بزرگوار، عارف معارف، معلم اخلاق، مرحوم حاج سید رضا بهاء الدینی مشرف شدم. پس از نماز به محضر آن عزیز عرضه داشتم: محتاج و نیازمند سخنان گهردار شمایل، در پاسخ فرمود: همیشه به خداوند کریم جسم امید داشته باش که فیض او ناییم است و احدی را از عتیش محروم نمی‌کند و به هر وسیله و بهانه ای زمینه هدایت و مستگیری عباد را فرایم می‌نماید، اگاه داستان شگفت‌انگیزی را از قول حمله داری از شهر ارومیه که سالی یک بار مسافر به مشهد می‌برد یاری صورت نقل کرد:

مسافرت با مائشین تازه آغاز شده بود: مائشین، مسافر و یارش را یکجا سوار می‌کرد، چرا که مائشین به صورت مائشین یاری بود، در

قسمت بار هم مسافران را منشأتمند و هم بار آنها را به صورت متراکم می‌چینند.

عن نزدیک به سی مسافر برای بودن به زیارت حضرت رضا(ع) پذیرفته بودم و فرار بود اولین هفته بعد به جانب مشهد حرکت کنیم.

شب چهارشنبه حضرت رضا(ع) را در خواب دیدم که با محبتی خاص به من فرمودند: در این سفر ابراهیم جیبیر را همراه خود بیاور.

از خواب بیدار شدم در حالی که در تعجب بودم که چرا از من خواسته شده چنین شخص فاسق و فاجری را که در بین مردم بسیار بندام است به مشهد ببرم، فکر کردم خوابی که دیده ام صحیح نیست، شب بعد همان خواب را بدون کم و زیاد دیدم، ولی باز توجه

به آن نتیمودم، شب سوم در عالم رویا حضرت رضا(ع) را خشمگین مشاهده کردم که با حالتی خاص به من فرمودند: چرا در این ادامه در صفحه بعد...



## ماجرایی خواندنی از زیان استاد شیخ حسین انصاریان وقتی امام رضا(ع) ضامن بک لات جیب بر شد



روز جمعه به محلی که افراد شرور و گنهکار جمع می‌شدند رفتم، ابراهیم را در میان آنان دیدم، تزدیک او رفته سلام کردم و از او برای زیارت مشهد دعوت نمودم. با شگفتی با دعوته روبرو شدم، به من گفت: حرم حضرت رضا چای من آمده نیست، آنجا مرکز اجتماع لهل دل و پاکان است، مرا از این سفر معاف نماید، اسرار کردم و او نصی پذیرفت، عاقیت با عصیانیت به من گفت: من خرجی این راه را ندارم، فعلاً تمام سرمایه من سی ریال بول است، آن هم بولی حرام که از کیسه پیرزن فقری شستربزده اما به او گفتمن: من از تو مخارج سفر نمی خواهم، رفت و برگشت این سفر را مهمان منی، اصرار معمول اتفاق نمی‌افتد، امین به مشهد را پذیرفت، قوار شد روز پیشنه همراه با کاروان حرکت کند. کاروان به راه افتاد، مسافران از بودن شخصی مانند ابراهیم جیب بر تعجب داشتند، ولی احدی را جرأت سوال و جواب نسبت به این مسافر نمود، مائین باری همراه بار و مسافر در جاده خراب و خاکی به جانب کوی دوست در حرکت بود، ترسیده به منطقه زید که محلی نامن و جای حمله ترکمن‌ها به زوار بود، عرض جاده به وسیله قلدری ستمکار بسته شده بود، مائین توقف کرد، راههن بالا آمد، خطاب به تمام مسافران گفت: آنچه بول دارید در این کیسه پیرزید و در برابر من ایستادگی نکنید که شما را به قتل می‌رسانم!

بول راننده و تمام مسافران را گرفت، سپس مائین را ترک گفت.

مائین پس از ساعتی چند به محل زید رسید و کنار قوه خانه نگاه داشت، مسافرین بیاده شدند، کنار هم نشستند، غم و آندو جانگاهی بر آنان سایه انداخت، بیش از همه راننده ناراحت بود، من گفت: نه اینکه خرجی خود را ندارم، بلکه از بول بنزین و دیگر مخارج مائین هم محروم شدم، رسیدن ما به مقصد پیمار مشکل به نظر می‌رسد، مسافر مشکل به نظر می‌رسد، مسافر مشکل به نظر می‌رسد، اینکه در میان بهت و حیرت مسافران ابراهیم جیب بر راه راننده گفت: چه مقدار بول تو را آن راهن برد؟ راننده مبلغی را گفت، ابراهیم آن مبلغ را به او پرداخت، سپس از بقیه مسافران به طور تک تک مبلغ ربوه شده آنان را پرسید و به هر کدام هر مبلغی را که می‌گفتند می‌پرداخت، در نهایت کار سی ریال باقی ماند که ابراهیم گفت: این هم مبلغ ربوه شده از من بود که سهم من است. همه شگفت زده شدند، از او پرسیدند: این همه بول را از کجا آوردی؟ در یاسخ گفت: وقتی آن راهن از همه شما بول گرفت و سپس مطمئن و آرام خواست از مائین بیاده شود، بی سر و صدا جیب او را زدم، او بیاده شد، و مائین هم به سرعت به حرکت آمد و از منطقه دور گشت تا به اینجا رسید، این پولهایی که به شما دادم بول خود شماست، حمله دار می‌گوید: بلند بلند گریستم، ابراهیم به من گفت: بول تو را هم که برگرداندم، چرا گریه می‌کنی؟ خوبیم را که در سه شب بی در بی پیده بودم برای او گفتمن و اعلام کردم من از فلسفه خواب بی خبر بودم تا الان فهمیدم که دعوت حضرت رضا از تو بدون دلیل بوده، امام (ع) می‌خواست به وسیله تو این خطر را از ما دور کند، حال ابراهیم عوض شد، انقلاب شدیدی به او دست داد، به شدت گریست، این حال تا رسیدن به تیه سلام جایی که برق گندید بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) دیده مسافران را روشن می‌کند آمده داشت، در آنجا گفت: زنجیری به گردن من بینندانید، مرا تا نزدیک صحن به این صورت ببرید، چون بیاده شدیم مرد به جانب حرم به همین حال حرکت نهید، آنچه می‌خواست انجام نایم تا در مشهد بودیم همین حال تواضع و خضوع را داشت، توبه عجیبی کرد، بول پیرزن ناشناس را در ضریح مطهر انداخت، امام را شفعت خود قرار داد تا گناهان گلشته اش بختیه شود، همه مسافران کاروان به او غبطه می‌خوردند.

سفر در حال خوشی پایان یافت، همه به ارومیه برگشتند و لی آن تائب بالرژش، مقیم کوی یار شد!



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم علیی

درستگاه علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## دوره جدید ماهنامه پگاه حوزه منتشر شد

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ تعداد بازدید: ۵ [ارسال به دوستان] بازگشت  
دوره جدید ماهنامه پگاه حوزه منتشر شد

دوره جدید ماهنامه پگاه حوزه منتشر شد

ماهنامه پگاه حوزه (دوره جدید) ویژه محرم و صفحه ۱۴۳۴ هـ ق بصورت همزمان در یک مجلد منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، در این شماره از مجله «پگاه حوزه»، مطالبی مانند زندگی به سبک پیامبر، ایروندی درباره تحقیق سیره نبوی در جامعه امروز، که گفتگویی با دکتر دلشداد تهرانی است، «جزا امام حسین (ع) از قدرت ماوراء الطبيعه در کربلا استفاده نکرد؟»، و «در فرعیات عاشورا متوقف نشوبم» مطالبی از آیت الله جوادی آملی و «عاشورا و مبلغان» (آموزه های تبلیغی) نوشته محمود مهدی یور، «از منبر سنتی تا ایزارهای تبلیغی مدرن» گفتگو و بحثی پیرامون آسب شناسی تبلیغ دینی با شیخ حسین انصاریان، و با آثار و گفتاری دیگر از جمله کاظمی صدیقی، محسن اسماعیلی، بی ازار شیرازی، رسول جعفریان، محمد حسین رجبی، حسن بلخاری، سید محمد مهدی جعفری و محمود حکیمی... منتشر شده است.  
ماهنامه پگاه حوزه با صاحب امتیازی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و با مدیر مسئولی حجت الاسلام دکتر واعظی وسردیری حجت الاسلام محمد حسین معزی منتشر می شود.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## دوره جدید ماهنامه پگاه حوزه منتشر شد

ماهنامه پگاه حوزه (دوره جدید) ویژه محرم و صفحه ۱۳۳۴ هـ ق بصورت همزمان در یک مجلد منتشر شد.

یه گزارش خبرگزاری مهر، در این شماره از مجله «پگاه حوزه»، مطالبی مانند زندگی به سینک پیامبر، (بروندهای درباره تحقق سیره نبوی در جامعه امروز)، که گفتگوی با دکتر دلشناد تهرانی است، «جزا امام حسین (ع) از قدرت مأموره الطیبیه در کربلا استفاده نکرده؟»، و «در فریعت عاشورا متوقف نشویم» مطالبی از ایت الله جوادی املی و «عاشورا و مبلغان» (اموزهای تبلیغی) نوشته محمود مهدی یور، «از منبر سنتی تا ایزارهای تبلیغی مدنی» گفتگو و بحثی پیرامون آسب شناسی تبلیغ دینی با شیخ حسین انصاریان، و با آثار و گفتاری دیگر از جمله کاظمی صدیقی، محسن اسماعیلی، بنی آزار شیرازی، رسول جعفریان، محمد حسین رجبی، حسن بلخاری، سید محمد مهدی جعفری و محمود حکیمی... منتشر شده است.

ماهنامه پگاه حوزه با صاحب امتیازی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و با مدیر مستولی حجت الاسلام دکتر واعظی وسرییری جhet الإسلام محمد حسین معزی منتشر می شود.



**دارالعرفان**

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ  
اللّٰهُمَّ اعْلَمْ وَارْدُوا مُتْمِمَهُ وَأَنْجُونَهُ فِي نَعْمَلِكَ عَصُوبِينَ مِنْ فَرِيْدَهُ آئِنَّ

بررسی و ارتقاء حکایت اندیشه هدایت، اسلام و ایران

پارگاه موسسه اسلام هدایت

شهادت امام رضا(ع) حسینیه هدایت

۱۴۰۹

دی

۳۶



دارالعرفان

موسسه دارالعرفان شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ  
اللّٰهُمَّ اعْلَمْ وَارْدِ وَفَاطِمَهُ وَهُنْقَهُ سَرِيْفٍ فِي زِيَادَتِ الْعُصُوبِينَ مِنْ فَرِيْدَهُ اَيْنَ

برگزیده ایشان حجامت زندگانی سریع، اسلام و ایران

پایگاه موسسه اسلام هدایت

مراسم اربعین در حسینیه استاد انصاریان

۱۴۰۹

دی

۳۶



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



مجله اینترنتی سوژه ها

شیخ حسین انصاریان در جمع آبی پوشان (عکس)

۱۴۰۹

دی

۲۶



سوژه ها  
SOOJEHA.IR



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## شیخ حسین چکونه حال شکنجه گر ساواک را گرفت



خبرگزاری فارس؛ وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول ننشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو ببرو.

به گزارش گروه حماسه و مقاومت خبرگزاری فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۲۲ در خواتساریه دنیا آمد. ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نیچه البلاعه توسط مامورین ساواک، دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد. شیخ حسین جمماً مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود. ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌گذشت:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گنستگان نماز قضا و شنیدن صنایع تاله و قریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شبها سیری می‌کردم. نماز صبح را با مسناه ایان مسجد اینین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که او اولین انقلاب در سیمایی جمهوری اسلامی ایران تدریس می‌کرد و همچنین هاشم صباغیان که او اولین انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ از غنبدی (معروف به منوجه‌گری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود. هاشم صباغیان به من گفت: به چهت این که من سایه زندان دارم و به روحیات این افراد واقع، به محض ورود او به سلول ما همه باید به احترامش بایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خالم می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنایی ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند تشویم اخرين زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول ننشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو ببرو.

موقع رفتن هاشم صباغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی ببرون امدم مشخصات مرا بررسید. خودم را معرفی کردم. علت دستگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نیچه البلاعه برای مردم تفسیر کرده‌ام. مقداری اخمهایش را در هم کشید و بررسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه. گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه. بعد از این گفت و گویی کوتاه با کمال تعجب مرا مجدها به سلول برگردانید.



دارالعرفان

"با حضور استاد حسین انصاریان چالش‌های پیش روی  
وحدت حوزه و دانشگاه در گرمانشاه بروزی شد"

کرمانشاه - خبرگزاری مهر: همزمان با سالروز وحدت حوزه و دانشگاه حلی میزگردی با حضور استاد حوزه و دانشگاه چالش‌های حوزه و دانشگاه بروزی شد. به گزارش خبرگزاری مهر، مراسم گرامیداشت سالروز روز شهادت استاد شهید ایت الله محمد مفتح و روز وحدت حوزه و دانشگاه صبح امروز در سالن امofi تئاتر دانشگاه رازی با حضور استاد حسین انصاریان، ایت الله شیخ مصطفی علاما امام جمعه کرمانشاه؛ ایت الله عبداللهی و استاد حوزه و دانشگاه بروگزار شد.

در جلسه میزگردی به ریاست دکتر عبدالحمید پاب زن و با حضور حجت السلام حسینی، حجت السلام فاضلی و استاد زین العابدینی از استاد حوزه و دانشگاه کرمانشاه در خصوص چالش‌های پیش روی حوزه و دانشگاه بروگزار شد.

در این میزگرد حضور هیئت علمی دانشگاه رازی گفت: موقعیت دانشگاه بر تربیت آموزش و پژوهش استوار است و این ماموریت علماء دینی و طلاب علوم دینی نیز است.

عبدالرحمد پاب زن افزود: بعد انقلاب اسلامی تلاش‌های فراوانی جهت رفع چالش‌های پیش روی مراکز حوزه و دانشگاه صورت گرفت و در راستای این اتفاقات زیادی نیتفتد ولی به صورت رسمی و غیر رسمی حضور استاد حوزه در دانشگاه‌ها و جلسات دانشگاهی پر رنگتر شد.

وی ادامه داد: این ارتباط یک طرفه تاثیر عمیقی در ایجاد وحدت کاربردی بین حوزه و دانشگاه ایجاد نکرده است. پاب زن گفت: بیش از ۱۲۵ مورد روش دانشگاهی در سطح دانشگاه‌های دنیا وجود دارد که در کشور ما تنها از یک یا دو مورد از این روش‌ها در دانشگاه‌ها استفاده می‌شود.

وی افزود: در سیستم‌های دانشگاهی اعتماد بر این است که روش‌های خوبی بالغ بر ۱۲۵ تکنیک آموزشی وجود دارد که از مقطع ابتدایی تا سطح دانشگاه از آنها برای آموزش استفاده می‌شود و مناسفانه در دانشگاه‌های ایران کاربرد حدی تعدادی ولی باید بگویند این کاربردها در دروس حوزوی به کار گرفته می‌شود و دانشگاه و حوزه به صورت نمایندگان بایکدیگر ارتباط دارند و در عمل اینگونه نیست.

وی افزود: در خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان که وظیفه تبدیل علم به تروت را دارند در کشور و استان ما در قیاس با کشورهای غربی و اروپایی خیفی عمل شده است.

دکتر پاب زن با ذکر اینکه هیجگاه دانشگاهیان از تکنیک‌های مدارس علمیه آگاهی نیافرند و اینکه چنین مورد پردازی قرار می‌گیرد، گفت: برای رسیدن به اهداف پیش روی کشور باید تلاش کنیم از تجارب یکدیگر استفاده کنیم و محاسبات دانشگاهیان را با پیانسیل های مدارس دینی باید محور اصلی کار قرار دهیم و ایران را که یکی از قطب‌های علوم انسانی است به جایگاه رفیع تری برسانیم.

وی با ذکر اینکه رتبه علمی ایران که حدود ۱۶ برابر اورد شده به دلیل آن است که تمامی مقالات علمی و دانش‌های موجود به زبان انگلیسی ترجمه نشده و اغلب به زبان فارسی و عربی و دیگر زبان‌هاست و قیاس مقالات فقط به زبان انگلیسی است.

وی افزود: بخش عمده ای از پیانسیل علمی ایران بایگانی است و باید با رفع موانع پیش روی خلوقیت‌ها را به ظهور برسانیم. در ادامه این جلسه از دیگر چالش‌های پیش روی حوزه و دانشگاه را موضوع دیدگاهی بی تفاوتی مطرح نمودند که هشمندان از این موضوع بهترین و بیشترین بهره را می‌گیرند.

دیگر سخنران این جلسه از استاد حوزه علمی کرمانشاه بود که در تشریح این موضوع گفت: جامعه نیازمند تدریسی و برنامه‌های دقیقی است که استاد حوزه و دانشگاه باید درینه آن راهکارها و دستورالعمل‌های خاصی پیاده کنند و در صدد رفع موانع نظری و عملی بکوشند.

ادامه در صفحه بعد...



دارالعرفان

موسسه اسلامی تعلیمی  
درستگاه علمی تحقیقاتی دارالعرفان

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَسَلَّمَ فِي الْجَنَاحِ الْمُكَبَّرِ

بررسی این مقاله در حدادت اندیشه‌ها، این اسلام را برخاند

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

۴۷

۱۴۰۹

دی

## "با حضور استاد حسین انصاریان چالش‌های پیش روی وحدت حوزه و دانشگاه در کرم‌نشاه بررسی شد"

حجت الاسلام حسینی از جمله موافق علمی در جامعه را موافق سیاسی و اخلاقی دانست و گفت: موافق سیاسی یکی از مهمترین موافق در قبیل از تقلاب بود که بعد از انقلاب در ایران رفع شد ولی در میان دیگر مسلمانان وجود نارد.

وی ادامه داد: مبلغ اخلاقی از مهمترین موافق در جامعه است و در بحث "عجب" که جزو خطرناکترین اثار فردی و اجتماعی و سیاسی است در بعضی از دانشگاه‌ها دیده می‌شود.

وی لفظ داد: بحث عجب تنها مختص دانشگاه‌های نیست و متوجه دین داران نیز هست.

حجت الاسلام حسینی گفت: دانشگاه‌هایی که با در اختیار داشتن علم و دین در بحث دین انحصاری عمل می‌کنند و این از خطر ناکرین موارد تک روی است.

در پایان این میزگرد از حجت الاسلام عبدالجلیل جلیلی و حجت الاسلام حجتی از اساتید حوزه علمیه کرم‌نشاه بوسیله تمام‌بند وی فقهی و امام جمعه کرم‌نشاه تجلیل شد.

لازم به ذکر است از حجت الاسلام عبدالجلیل جلیلی و حجت الاسلام میدی در منزل ایشان توسط سه تن از اساتید دانشگاه رازی کرم‌نشاه تجلیل خواهد شد.



دارالعرفان

مروجعی دارالعرفان  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

استاد انصاریان:

پیشوفت و تکامل علمی و معنوی، تجلی وحدت حوزه و دانشگاه است

به گزارش ایستاد، استاد حسین انصاریان در همایش پیشرفت و تکامل علمی و معنوی را تجلی وحدت حوزه و دانشگاه عنوان کرد و گفت: زلف دین و علم باید به هم گره بخورد تا یک کشور به اوج عظمت برسد و هزاران چهره برجسته، ملکوتی و ازگذار همانند دکتر حسابی خلق شود.

استاد انصاریان در ادامه با اشاره به جایگاه دانشگاه و حوزه‌های علمیه در جامعه افزود: اگر طلاب علوم دینی با حذیث‌ترین دستاوردها و فناوری روز آشنا شده و در مسائل و موضوعات مختلف دانشگاه نقش افرینی کنند و چنانچه دانشگاه‌یاران نیز بتوانند افرادی متوجه و مقید به احکام شرعی به جامعه تحویل دهند، تجلی وحدت حوزه و دانشگاه در جامعه به قوی می‌پیوندد.

وی با بیان اینکه علم بشدت مورد احترام پروردگار است زیرا جلوه‌ای از علم بینهایت ذات الهی است، گفت: هر عالمی، افق تجلی علم الله است و اگر به این معنا واقف گردد به اکاهی و قدر شناسی از خود می‌رسد.

این سدرس حوزه علمیه قم اظهار کرد: عالم در صورتی که جایگاه خود را بشناسد حرکت عادله‌های خواهد داشت و به عنوان خادم خداوند عمل خواهد کرد و از تجاوز و آلوهه شدن به شرک در امان خواهد ماند.

وی در خاتمه تأکید کرد: وحدت حوزه و دانشگاه باید براساس همین آیات قرآن کریم شکل واقعی بگیرد و این به معنی دخالت حوزه در دانشگاه نیست بلکه باید با خلافت و هترمندی و اوج محبت به دانشجو انتقال پیدا کند.

گفتنی است در ادامه این مراسم از آیت‌الله جلیلی، آیت‌الله مبیدی، حجت‌الاسلام عبدالهی و حجت‌الاسلام جحتی از روحانیون بر جسته و با سابقه استان کرمانشاه و همچنین از اساتید بر جسته دانشگاه رازی پروفیسور مجتبی شمسی بور، پروفیسور محمد‌مهدی خدابی و پروفیسور محمدباقر قلیوند از اساتید بر جسته علوم شیمی کشور با اهدای لوح تقدیر و هدایا تجلیل بعمل آمد.



دارالعرفان

مروجہ دارالعلوم علیٰ  
درستگاه عالیٰ تحقیقاتی دارالعرفان

# اللَّهُمَّ عَلَيْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَسَلَّمَ فِي أَنْتِ الْمُعْصُومُونَ مَنْ فِرَّ يَا أَيُّهُ

بررسی اسلامی حداکث زندگانی سید روح‌الله خمینی، اسلام و ایران

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

۴۷

دی

۱۴۰۹

## شاخصه‌های برتری اصحاب امام حسین(ع) بر دیگر شهدای تاریخ"

مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی با اشاره به روایتی از پیامبر اکرم(ص) شهدای کربلا را برتر از شهدای تمام تاریخ بشریت دانست و گفت: در حادثه بی‌نظیر کربلا ۷۲ تن، شیوه عملی امامشناصی را به منصه ظهور رساندند.

به گزارش راسخون به نقل از فارس، استاد حسین انصاریان مدیر مؤسسه دارالمعارف شیعی در دوین کنگره حامی‌حسینی با محوریت اخلاق و معنویت با اشاره به اینکه بعد عرفانی ۷۲ انسان بی‌نظیری که حادثه عظیم کربلا را به وجود آورده، از نظر ظاهر روشی است، اظهار داشت: آن جیزی که باعث شد ۷۲ یار امام حسین(ع) به اوج برستند، معرفت، عرفان و شناخت آن‌ها بود.

وی این شناخت را حاصل عکس العمل ۷۲ تن در شب عاشورا به سخنان ای‌عبدالله‌الحسین(ع) دانست و افزود: نتیجه باعث برتری آن‌ها شده، وجهه امامشناصی آن‌ها است، چرا که این اعتقاد عظیم معنوی، ۷۲ تن را به جایی رساند که برای تاریخ، بی‌نظیر و بی‌نمونه معرفی شوند.

استاد انصاریان با اشاره به زیارت ناحیه امام زمان(عج) و سلام حضرت حجت(عج) برای برخی از یاران امام حسین(ع)، خاطرنشان کرد یکی از یاران امام حسین در شب عاشورا خطاب به مولای خویش گفت: اگر فردا ۷۰ یار من را بکشند و خدا من را زنده کند من هرگز دست از شما بر نمی‌ذارم و شما را تنها نمی‌گذارم. این جملات «مسلم بن عوسمجه» اوج معرفت یک انسان به امامش را نشان می‌دهد.



دارالعرفان

موسسه دارالمعارف شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

# اللَّهُمَّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمٍ سَلِّمْ

بررسی اسناد هدایت اندیشه برتر، اسلام و ایران

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

## "خاطرات جهان پهلوان تختی از زبان استاد انصاریان"

۱۴۰۹

دی

۴۷

استاد حسین انصاریان سخنران سرشناس در خاطرهای در مورد جهان پهلوان تختی، چنین گفت: چند سالی که در محله خانی ایاد منیر می‌رفتم، وی همراه خانواده‌اش پایی منیرم می‌آمدند. خود من نیز گاه گاهی به زورخانه می‌رفتم. بدین ترتیب به مرور زمان با هم آشنا شده بودیم.

به گزارش خبرگزاری پارس فتویال «استاد حسین انصاریان» می‌افزاید: علی برای کشته شدن او ذکر می‌کنند. برای مثال روزی به بازار رفته بودم، از جلوی مقاذه آقای شکوهی، پدر یکی از دوستان هم دوره‌ای مدرس‌مام، رد می‌شدم. مرا صدا زد و خواست تا با هم جای بخوریم. ایشان سید بزرگواری بود و مقاذه جای فروشی داشت. صحبت از تختی شد او گفت که "زمانی وقتی تختی این جا بود من به او گفتم پهلوان باید حواس خیلی جمع یاشد. من می‌ترسم با دو سه برنامه‌ای که داری به مشکلی بر بخوری و خدای ناگرده کار دست خودت بدهی. یکی ارتباط با سید محمود طالقانی است، دیگری عضویت در جبهه ملی و بالآخره محبویتی که در بین مردم داری".

استاد انصاریان در ادامه خاطره خود افزود مرحوم غلامرضا تختی در بین مردم خیلی عزیز و پرطرفدار بود. در زلزله بوئین زهرا، برای جمع آوری کمک‌هایی مردمی از طرف دولت چادرهایی برپا شده بود. اما مردم به آنها توجه چندانی نمی‌کردند. یک مرتبه آقای تختی وسط سیزده میدان بازار، بلند فریاد زد "ای مردم، کمک کنید. باندای آن را مرد، سیل کمک‌های مردمی سرازیر و انبوی از اتوقع و مایحتاج زلزله زدگان وسط میدان جمع شد.

استاد حسین انصاریان در ادامه گفت: یک بار نیز در باشگاهی در نزدیکی بارگاه شهر، مجلسی برپا و شاهبور غلامرضا، برادر شاه، دعوت بوده است. وقتی وارد می‌شود، مردم توجهی نمی‌کنند و استقبالی از او به عمل نمی‌آورند. ناقابی بعد، غلامرضا تختی وارد می‌شود. مردم همه سرپا می‌ایستند و کف مرتبی برپایش می‌زنند و با سر دادن شعارهایی برای احساسات می‌کنند. بدین ترتیب شاهبور غلامرضا خیلی کوچک می‌شود و پیش روی مردم احساس خواری و دلت می‌کند.

«استاد حسین انصاریان» در پایان خاطرات خود گفت: در محله خانی ایاد در مجلس ختم او شرکت کردم. مراسم به ارامی برگزار شد، اما در مجلس شب هفت او که در این یادبوده برگزار شد، از اشاره مختلف مردم، شرکت ناشستند، بخصوص اقلاییون و ملی‌گرانها که در تضاد با حکومت بودند.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم عربی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

# اللهم علیٰ محمد و علیٰ واقاً طمہ و اسق فی خیر فی تیغہ لمع صوین مرن فریّه آیت

بررسی: اسرائیل حداقت نهادن سرتیفیکت، اسلام و امن

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

"استاد انصاریان: در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند"

۱۴۰۹

دی

۴۷



خبرگزاری رسا - استاد حسین انصاریان با اشاره به این که تعریف از کارهای مشت روش اهل بیت(ع) است، گتمان یا تکذیب خوبی مسئولین در جامعه اسلامی را کفران نعمت دانست و گفت: متأسفانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، استاد حسین انصاریان از استاد حوزه علمی شامگاه چهارشنبه سیزدهم دی ماه در مراسم شب اربعین که در مسجد امام صادق(ع) تهران واقع در میدان فلسطین برگزار شد اظهار داشت: از مدینه تا مکه بیش از هفتاد فریض از جاده قدیم راه است و هزار و یაصد سال قبل وجود مبارک حضرت سید الشهداء ۲۵ بار از منزل خود با یای برهنه این جاده را برای انجام حج و عمره طی می کردند.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام معصوم با داشتن توان مال، شترهای جوان و اسبهای بیزرو با یای بیاده و برهنه ۲۵ بار از مدینه پسوسی آن منطقه مقدس مرکز تور مرکز هدایت قیله عبادت سفر می کند گفت: امام(ع) با این عمل خود خواستند عظمت کعبه و مسجدالحرام و مناسک حج را به مردم پفهمانند که این خانه مسجد و مناسک از چه جایگاهی برخوردار است.

وی در ادامه افزود: البته خداوند جواب این پیاده روی های او را داد امسال نزدیک ۱۸ میلیون نفر از شخصیت کشور پیاده و عده ای از آن ها با یای بیدون کفش برای زیارت مزار او که کعبه دلها و مرکز پخش نور خدا در عالم است حرکت کرددند. این واعظ بر جسته با تأکید بر این که امام حسین(ع) این عظمت و شخصیت را دارد گفت: مهمترین روابط مربوط به زیارت او است که اغلب آن ها در معتبرترین کتاب کامل الزیارات جمع و عنوان یافتد شده است. اگر تعدادی از آن روابط و متن را کنار هم بگینم این معنا از آن در می اید که «زیارت قبور الحسین الفضل من زیارت امام الحی» زیارت قبر امام حسین(ع) با فضیلتتر از زیارت امام زنده می باشد.

استاد انصاریان با اشاره به این که امام حسین(ع) در ۲۵ سفر هنگامی که به درب ورودی مسجدالحرام می رسیدند وارد مسجد تمی شدند بلکه صورت مبارک را روی دیوار پیرون مسجد می گذاشتند و به شدت گریه می کردند اظهار داشت: امام حسین(ع) به پیشگاه پروردگار با توضیع حاضر من شدند، چنان تواضعی که امروز در کسی از این هفت میلیارد جمیعت وجود ندارد.

وی افزود: حضرت سید الشهداء(ع) پس از این توضیع و فروتنی با همان یای خسته و پرآبله وارد مسجدالحرام می شدند و تا کنار بیت پیش می آمدند و در کنار بیت به دیوار کعبه تکیه می داشند و مانند این بهار گریه می کردند. این استاد حوزه علمی با بیان این که حدود ۱۵۰ سال است شیعه مانند آخوند خراسانی را مخصوصا در علم احصیل به خودش تبدیل است گفت: در این ۱۵۰ سال هر کس مرجع تقلید شده است بر سر سفره این مرد، مرجع شده است، پهلوانان علم در شیعه با حاشیه زدن بر کتاب کفایه او پهلوان شدند، علم عالمان شیعه با حاشیه های بر کتاب آخوند سنجهده می شد.

استاد انصاریان افزود: فردی خوب آخوند خراسانی را دید و از او سوال کرد آقا شما از دنیا نوقید؟ فرمود بله من الان در دنیا نیستم، گفت آقا از بزرخان می توانید برای ما تعریف کنید؟ گفت نه الزاماً ندارم خبری از آن بدهم ولی یک خبری من توانم بدهم و آن این است که من که ۷۰ سال شناگر ۱۱ رشته علم بودم و در آن ها مجتهد بودم اینجا که آدم حسین بن علی(ع) را شناختم. این واعظ بر جسته در ربطه با امام حسین(ع) تصویر کرد: این گوهر مجهول در عالم بعد برای مردم معلوم می شود و یک سر الهی است که در قیامت روش خواهد شد.

ادامه در صفحه بعد...



کل اعراف

موسسه اسلامی هدایت

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعلوم

# اللَّهُمَّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمٍ سُلِّمْ

بررسی اسلامی حداقت زندگانی برتر، اسلام و ایران

پایگاه موسسه اسلامی هدایت

"استاد انصاریان: در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند"

۱۴۰۹

دی

۴۷



وی با بیان این که اگر همه دنیا حرفهای حضرت را می‌فهمیدند که ره زمین بستر تواضع، یاکی، امتیت، فضیلت و درستی می‌شد و سبب می‌شد که مردم بهشت روز قیامت را در همین دنیا تحریر کنند گفت: این وجود مقدس به کعبه تکیه می‌داند و با پروردگاری می‌گفتهند «خدایا هر نعمت مادی و معنوی را که به بندوهای حسین(ع) عنایت کردی یکبار حسین(ع) را در کنار هیچ نعمتی شاکر نیافتنی یعنی من بر هر نعمت تو که شکر آن لازم است باید شکری را انجام بدhem، برای این که به من توفیق انجام شکر را دادی نیز شکر لازم است و من کدام نعمت تو را توانستم شکر کنم».

استاد انصاریان با طرح این سوال که ایا معنی شکر در اسلام پرائین لفظ مقدس از نوک زبان است؟ گفت: این نهایت تمسخر است. شکر نعمت عملی است.

این استاد حوزه علمیه با بیان این که شکر یعنی هر نعمتی را در جای خود تحقق عملی دادن در راه خدا اثلهار داشت: شکر نعمت قدرت، عدالت واقعی می‌داند، شکر نعمت قلم، این است که خداوند بتواند به آن توشته و قلم قسم بخورد اما در غیر این صورت این کفران نعمت است، اگر قدرتی صرف ظلم شود و یا قلمی صرف هجوم به یک فرد آبرومند، مدیر قوى، رژمنده، فرد عذر و خلوص و یا آبادگر شد این کفران نعمت است و ضدیت با پروردگار است و این از مدلایی به نام حسد سروشمه می‌گیرد.

وی با بیان حدیثی از امام صادق(ع) مبنی بر این که روش ما اهل بیت(ع) این است که از کار مثبت اهل متبت تعريف کنیم و تکذیب کار خوبیان کار نشمنان ماست گفت: این نشمنان هستند که خوبی‌ها را کتمان می‌کنند، بدی می‌سازند و بدی‌ها را به دیگران نسبت می‌دهند و علیلهانه در جامعه ما کافران به نعمت خدا زیاد هستند.

استاد انصاریان در پایان با طرح سوالاتی تغییر «کجا رفت مهرورزی‌ها و صفاها؟» «خلاق اتیا کجا رفت؟» «زبان‌ها و قلمهای پاک کجا رفت؟» گفت: این کفران نعمت است که این گونه فضا را آلوه و نجس کرده‌اند.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با الشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون. یه گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواسار به دنیا آمد. ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاعه توسط مأمورین ساواک مستگیر و به کمیته مشترک خد خرابکاری فرستاده شد. شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود. ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌گذشت:

«۵۵ روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شبها سپری می‌کردم. نماز صحیح را با صدای ایان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که اوایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچندن هاشم صبابغیان که اوایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم. یک مرتبه هوشمنگ از غنبدی (معروف به متوجه‌گری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم صبابغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما ماجهه باید به احترامش پایستیم. من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند. دیگر احترام به آنها معنایی ندارد. در نهایت اگر ما به احترام او بلند شویم اخرين زندان است که الان در زندان هستیم. لذا من توکل به پروردگاری کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر ورودش بلند شویم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با الشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.

موقع رفتن هاشم صبابغیان به من گفت: کارت تمام است. وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید. خودم را معرفی کردم. علت مستگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاعه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخمهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفت: نه. گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفت: نه. بعد از این گفت و گویی کوتاه با کمال تعجب مرا مجدداً به سلول برگردانید.



## شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براحته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواتیار به دنیا آمد ایشان در مودحة ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسعه مأمورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک خد خرابکاری فرستاده شد.  
شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شیخها سبیری می‌کردم، نماز صبح را یا صدای امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم، بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که او ایل انتقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران تدریس می‌کرد و همچنین هاشم حبایغیان که او ایل انتقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغتدی (معروف به منوجه‌یاری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم حبایغیان به من گفت: به جهت این که من سایقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما خامه باید به احترامش پایستیم، من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنای ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم، لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذائش و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براحته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.

موقع رفتن هاشم حبایغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید، خودم را معرفی کردم، علت دستگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخوهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه، گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گویی کوتاه را کمال تعجب مرا مجدد به سلول برگردانید.



دانشگاه  
Dar al-Urfan

مروجہ علمی تحقیقاتی دارالعرفان

### شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت

۱۴۰۹

دی

۳۷



وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خوانسار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسعه مأمورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک خد خرابکاری فرستاده شد.  
شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شیخها سبیری می‌کردم، نماز صبح را یا صدای امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم، بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که او ایل انتقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم حبایغیان که او ایل انتقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغتدی (معروف به منوجه‌یاری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم حبایغیان به من گفت: به جهت این که من سایقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما مامه باید به احترامش پایستیم، من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنای ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم، لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذانش و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.

موقع رفتن هاشم حبایغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید، خودم را معرفی کردم، علت دستگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخمهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه، گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گویی کوتاه را کمال تعجب مرا مجدد به سلول برگردانید.



دارالعرفان

موسسه دارالعرفان  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواتیار به دنیا آمد ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به آنها تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسعه مأمورین ساواک استگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری فرستاده شد.  
شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شیخها سپری می‌کردم، نماز صبح را یا صدای امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم، بعد از انقلاب به سلول عمومی با آقای توسلی که او ایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم حبایغیان که او ایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.  
یک مرتبه هوشنگ ازغتدی (معروف به منوجه‌یاری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم حبایغیان به من گفت: به چیز این که من سایقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما مخه باید به احترامش پایستیم، من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنای ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم، لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
موقع رفتن هاشم حبایغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید، خودم را معرفی کردم، علت استگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخمهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه، گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گویی کوتاه را کمال تعجب مرا مجدد به سلول برگردانید.



### دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
یه گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواتیار به دنیا آمد ایشان در مودحة ششم شهریور سال ۵۷ به آنها تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسعه مأمورین ساواک استگیر و به کمیته مشترک خد خرابکاری فرستاده شد.  
شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شیخها سبیری می‌کردم، نماز صبح را یا صدای امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم، بعد از انقلاب به سلول عمومی با آقای توسلی که او ایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم حبایغیان که او ایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.  
یک مرتبه هوشنگ ازغتدی (معروف به منوجه‌یاری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم حبایغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما مامه باید به احترامش پایستیم، من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنای ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم، لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذانش و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بر خورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
موقع رفتن هاشم حبایغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید، خودم را معرفی کردم، علت استگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخمهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشته‌ای؟ گفتم: نه، گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گویی کوتاه را کمال تعجب مرا مجدد به سلول برگردانید.



### دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
یه گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواتسار به دنیا آمد ایشان در مودحة ششم شهریور سال ۵۷ به آنها تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسعه عامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک خد خرابکاری فرستاده شد.  
شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شیخها سبیری می‌کردم، نماز صبح را یا صدای امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم، بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که او ایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم حبایغیان که او ایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغتدی (معروف به منوجه‌یاری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم حبایغیان به من گفت: به جهت این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما خامه باید به احترامش پایستیم، من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنای ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم، لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذانش و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او بخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.

موقع رفتن هاشم حبایغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید، خودم را معرفی کردم، علت دستگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشتمد؟ گفتم: نه، گفتم: من خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گویی کوتاه را کمال تعجب مرا مجدد به سلول برگردانید.



**دارالعرفان**

موسسه دارالعرفان  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براحته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
یه گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواتیار به دنیا آمد ایشان در مودحة ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسعه مأمورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک خد خرابکاری فرستاده شد.  
شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شیخها سبیری می‌کردم، نماز صبح را یا صدای امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم، بعد از انقلاب به سلول عمومی با آقای توسلی که او ایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم حبایغیان که او ایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.  
یک مرتبه هوشنگ ازغتدی (معروف به منوجه‌یاری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم حبایغیان به من گفت: به چیز این که من سابقه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما مامه باید به احترامش پایستیم، من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنای ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم، لذا من توکل به پروردگار کردم و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذائش و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او براحته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
موقع رفتن هاشم حبایغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید، خودم را معرفی کردم، علت دستگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخوهایش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشتمد؟ گفتم: نه، گفتم: من خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گویی کوتاه را کمال تعجب مرا مجدد به سلول برگردانید.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم عربی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

## شیخ حسین چگونه حال شکنجه گرفت

۱۴۰۹

دی

۲۸

به گزارش بواین نیوز به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۲۲ در خوانسار به دنیا آمد. ایشان در مورخه ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسط مامورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری قربستاده شد.

شیخ حسین جما مدت بیست روزی را در شکنجه گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتم را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صنای ناله و قرباد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شب‌ها سپری می‌کردم. نماز صبح را با صدای آنان مسجد امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم. بعد از انتقال به سلول عمومی با آقای توسلی که او اهل انقلاب در سیماهی جمهوری اسلامی ایران قرآن تدریس می‌کرد و همچنین هاشم صباحیان که او اهل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ از غنبدی (معروف به منوجه‌ی) شکنجه گرفت که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بودند. هاشم صباحیان به من گفت: به چهت این که من سایه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعهم، به محض ورود او به سلول ما حمه باید به احترامش ...



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم دینی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان



## شیخ حسین حال شکنجه گر ساواک را گرفت



وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.  
به گزارش جهان به نقل از فارس، شیخ حسین انصاریان سال ۱۳۳۳ در خواتیار به دنیا آمد ایشان در مودحة ششم شهریور سال ۵۷ به اتهام تفسیر قرآن و نهج البلاغه توسعه مأمورین ساواک دستگیر و به کمیته مشترک خد خرابکاری فرستاده شد.  
شیخ حسین جمما مدت بیست روزی را در شکنجه‌گاه کمیته مشترک زندانی بود ایشان یکی از خاطرات زندان خود را چنین بیان می‌کند:

«ده روزی در سلول انفرادی بودم و اوقاتی را به فاتحه برای گذشتگان نماز قضا و شنبیدن صدای ن الله و فریاد افرادی که زیر شکنجه بودند خصوصاً شیخها سپری می‌کردم، نماز صبح را یا صدای امین السلطان در خیابان فردوسی می‌خواندم، بعد از انقلاب به سلول عمومی با آقای توسلی که او ایل انقلاب در سیمای جمهوری اسلامی ایران تدریس می‌کرد و همچنین هاشم حبایغیان که او ایل انقلاب وزیر کشور بود و چند نفر دیگر هم سلول شدم.

یک مرتبه هوشنگ ازغتدی (معروف به منوجه‌یاری) شکنجه‌گری که همه از نامش وحشت داشتند برای بازدید سلول‌ها آمده بود هاشم حبایغیان به من گفت: به چیز این که من سایه زندان دارم و به روحیات این افراد واقعه، به محض ورود او به سلول ما خامه باید به احترامش پایستیم، من به او گفتم افرادی که به این صورت به مردم خلل می‌کنند، دیگر احترام به آنها معنای ندارد در نهایت اگر ما به احترام او بلند نشویم آخرش زندان است که الان در زندان هستیم، لذا من توکل به پروردگار کرد و تصمیم گرفتم که به او احترام نگذاشته و به خاطر وروش بلند نشوم.

وقتی نگهبان در سلول را باز کرد و او وارد سلول ما شد همه به احترام او برخاسته و سلام کردند ولی من همچنان گوشه سلول نشسته بودم، به او برخورد، با اشاره مرا خواست و گفت بیا برو بیرون.

موقع رفتن هاشم حبایغیان به من گفت: کارت تمام است.

وقتی بیرون آدم مشخصات مرا پرسید، خودم را معرفی کردم، علت دستگیری را از من سوال کرد و گفتم: قرآن و نهج البلاغه برای مردم تفسیر کرده‌ام، مقداری اخهام‌یاش را در هم کشید و پرسید: ملاقاتی داشتمد؟ گفتم: نه، گفت: می‌خواهی ملاقات داشته باشی؟ گفتم: نه بعد از این گفت و گویی کوتاه را کمال تعجب مرا مجدد به سلول برگردانید.





پایگاه اطلاع (سلام) استاد انصاریان

۱۴۰۹

دی

۲۹

## حاطوه ای از شش سالگی استاد حسین انصاریان



عقبیق: شش ساله بودم که دست در دست پدر بزرگ، برای نیت نام به مدرسه مرحوم برهان وقتی، چون پدرم کار داشت، پدر بزرگم، مرا به مدرسه برد.

وی در راه می گفت: پسرم، ایا می دانی تو را به کجا می برم؟ و خود جواب می داد تو را به مدرسه می برم تا سواد باد بگیری، خواندن و نوشتن و قرآن خواندن باد بگیری، آن وقت نواب خواندن توبه من هم می رسد. پدر بزرگم همواره به من می گفت زمانی که مردم برابر قرآن بخوان. در آن سن و سال، من مسئله مرگ و میر را به درستی درک نمی کردم، اما بعد ها آن را به خوبی در لفظ و سخنان ایشان تائیر شگرفی بر من تهداد زیرا «علم در کوکی مانند نقش بر روی سنگ است»

آن مرد با خدا، با چهره ای ملکوتی و محاسنی سفید، جنان با لحنی دل نشین این جملات را می گفت که هنوز هم صدایش در گوشم طینین انداز است. بحدالله تابه حال به این خواسته عمل کرده ام و به ویژه هر وقت به حق مشرف می شوم. هم در حرم پیامبر اکرم (ص) و هم در پارگاه پروردگار، برای او و دیگر اموات، یک دوره کامل قرآن را ختم می کنم. به مدرسه که رسیدم، آیت الله برهان نیز حضور داشت، رفتار و استقبال ایشان به گونه ای بود که من بعد از نیت تام با ارامش و آسودگی در مدرسه ماندم. مدرسه زیر نظر آن مرحوم اداره می شد و همه علم ها را تبیز خود ایشان انتخاب می نمود. «حروق الفباء» را از معلمی سید و روحانی، که بسیار خوش اخلاق و مهربان بود، فرا گرفتم. اکنون نیز هر گاه او را می بینم، برای سپاس گزاری، زانوی ادب بر زمین زده، بر دست مبارکش بوسه می زنم، در اولین جلسه ای که آیت الله برهان در کلاس حضور یافت، سوره حمد را به ما باد داد و آن قدر حوصله به خرج ناد تا آن را کاملا حفظ کردیم. معلمان روحانی و مکلای دیگری هم داشتیم که همگی مومن بودند. در آن مدرسه، پرورش بیش از اموزش تهمیت داشت و بجهه ها تحت نظر معلمان نیک و دلسویز به خوبی پرورش یافتند. بحمد الله تابه حال هر کدام از شاگردان آن مدرسه را که می بینم، تنان را متدين و معنوی می یابم.

تعاز خواندن آفای برهان به گونه ای بود که برای همه جانبه داشت. ایشان صدای بسیار گیرایی داشتند و به قدری متواضع بودند که یک ساعت پیش از تعاز، دستشویی مسجد را پاک می کردند. همه افراد بی دین و بی قید نیز مجذوب ایشان شده بودند.



دارالعرفان

موسسه دارالعلوم شیعی  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان

استخوار سات

ادیان	فیسبوک	ایموجی و نویسنگ کری	پذیری و سلفی گرفت	بود و همراه بیسیم	لایس و نوچنی	ریست
نو و نما	ایران	بریتانیا	ویله نامه ها	گوناگون	سینه ها	تصویر در خوبانه

ادیان

۱۴۰۹

دی

۲۹

## حاطره ای از شش سالگی استاد حسین انصاریان



به گزارش ادیان نیوز به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استاد حسین انصاریان، حاطره ای کوتاه را ازیان استاد چین نقل می‌کند: شش ساله بودم که دست در دست پدر بزرگ، برای ثبت نام به مدرسه مرحوم برهان رفتم. چون پدرم کار داشت، پدر بزرگم مرا به مدرسه برد.

وی در راه می‌گفت: پسرم، آیا می‌دانی تو را به کجا می‌برم؟ و خود جواب می‌داد: تو را به مدرسه می‌برم تا سواد یاد بگیری. خواندن و نوشتن و قرآن خواندن یاد بگیری، آن وقت نواب خواندن توبه من هم می‌رسد. پدر بزرگم همواره به من می‌گفت زمانی که مردم براهم قرآن بخوان.

در آن سن و سال، من مسئله مرگ و میر را به درستی درک نمی‌کردم، اما بعد ها آن را به خوبی دریافتیم و سخنان ایشان تأثیر شگرفی بر من نهاد زیرا «علم در کودکی مانند نقش بر روی سنگ است».

آن مرد با خدا، با چهره ای ملکوتی و محاسنی سفید، جنان با لحنی دل نشین این جملات را می‌گفت که هنوز هم صدیش در گوشم طینی انداز است.

یحتمله تایه حال به این خواسته عمل کرده ام و به ویژه هر وقت به حج شرف می‌شوم، هم در حرم پیامبر اکرم (ص) و هم در بارگاه پروردگار، برای او و دیگر اموات، یک دوره کامل قرآن را ختم می‌کنم. به مدرسه که رسیدم، آیت الله برهان نیز حضور داشت. رقتار و استقبال ایشان به گونه ای بود که من بعد از ثبت نام با آرامش و آسودگی در مدرسه ماندم.

مدرسه زیر نظر آن مرحوم اداره می‌شد و همه معلم ها را نیز خود ایشان انتخاب می‌نمودند «حروف الفباء» را از معلمی سید و روحانی، که بسیار خوش اخلاق و مهربان بود، فرا گرفتند. اکنون نیز هر گاه او را می‌بینم، برای سپاس گزاری، زائوی ادب بر زمین زده، بر ثبت مبارکش بوسه می‌زنم، در اوین جلسه ای که آیت الله برهان در کلاس حضور یافت، سوره حمد را به ما یاد داد و آن قدر حوصله به خروج داد تا آن را کاملاً حفظ کردیم. معلمان روحانی و مکلامی دیگری هم داشتیم که همگی مومن بودند.

در آن مدرسه، پیورش بیش از آموزش اهمیت داشت و وجهه ها تحت نظر معلمان نیک و دلسویز به خوبی پرورش یافتند، یحمد الله تایه حال هر کدام از شاگردان آن مدرسه را که می‌بینم، آنان را متدين و معنوی می‌یابم.

تماز خواندن آقای برهان به گونه ای بود که برای همه جانبه داشت. ایشان صدای بسیار گیرایی داشتند و به قدری متواضع بودند که یک ساعت پیش از نماز، نششوبی مسجد را پاک می‌کردند. همه افراد بی دین و بی قید نیز مجذوب ایشان شده بودند.



دارالعرفان

موسسه دارالعرفان  
میرکریم علی‌اللهی تحقیقاتی دارالعرفان

## حاطره ای از شش سالگی استاد حسین انصاریان



به گزارش خبرگزاری اهل بیت(ع) - اینا - «جعالت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان» حاطره ای کوتاه از کودکی خود را چنین بیان می کند.

شش ساله بودم که دست در دست پدر بزرگ، برای ثبت نام به مدرسه مرحوم برهان رفتم. چون پدرم کار داشت، پدر بزرگم مرا به عذرخواهی برداشت.

وی در راه می گفت: پسرم، ایا می دانی تو را به کجا می برم؟ و خود جواب می داد تو را به مدرسه می برم تا سواد یاد بگیری. خواندن و نوشتن و قرآن خواندن یاد بگیری. آن وقت تواب خواندن توبه من هم می رسد. پدر بزرگم همواره به من می گفت زمانی که مردم برایهم قرآن بخوان.

در آن سن و سال، من مسئله مرگ و میر را به درستی فرک نمی کردم، اما بعد ها آن را به خوبی فریاقتم و سخنان ایشان تائیر شگرفی بر من نهاد زیرا «علم در کودکی مانند نقش بر روی سنگ است». آن مرد با خدا، با چهره ای ملکوتی و محاسنی سفید، چنان با لحنی دل نشین این جملات را می گفت که هنوز هم صدایش در گوشم طینی انداز است.

یحتمالله تایه حال به این خواسته عمل کرده ام و به ویژه هر وقت به حج مشرف می شوم، هم در حرم پیامبر اکرم (ص) و هم در بارگاه پروردگار، برای او و دیگر اموات، یک دوره کامل قرآن را ختم می کنم. به مدرسه که رسیدم، آیت الله برهان نیز حضور

دانست. رفاقت و استقبال ایشان به گونه ای بود که من بعد از ثبت نام با آرش و اسودگی در مدرسه ماندم. مدرسه زیر نظر آن مرحوم اداره می شد و همه معلم ها را تیز خود ایشان انتخاب می نمود. «حرکت الفباء» از علمی سید و روحانی، که بسیار خوش اخلاق و مهربان بود، فرا گرفتم. اکنون تیز هر گاه او را می بینم، برای سیاست گذاری، زلزله ادب بر زمین زده، بر دست مبارکش بوسه عی زنم، در اوایل جلسه ای که آیت الله برهان در کلاس حضور یافت، سوره حمد را به ما یاد داد و آن

قدر حوصله به خرج داد تا آن را کاملا حفظ کردم. معلمان روحانی و مکالای دیگری هم داشتم که همگی مومن بودند.

در آن مدرسه، پرورش پیش از آموزش اهمیت داشت و بجهه ها تحت نظر معلمان نیک و دلسویز به خوبی پرورش یافتند، یحتم الله تایه حال هر کدام از شاگردان آن مدرسه را که می بینم، آنان را متدين و معنوی می یابم.

نمای خواندن آقای برهان به گونه ای بود که برای همه جانبه داشت. ایشان صدای بسیار گیرایی داشتند و به قدری متواضع بودند که یک ساعت پیش از نماز، نششوبی مسجد را یاک می کردند. همه افراد بی دین و بی قید تیز مجدوب ایشان شده بودند.



دارالعرفان

میرکو علمی تحقیقاتی دارالعرفان



بروز رسانی

صفحه پاکت لیست ویرایش بسته نام

(12130) سیاست	(4352) خیری	(46575) توسیعی	(1054) غیرهمجع	(24297) تندی	(13126) آموزشی	(11938) فیلم	(7058) تحقیق	(24294) شده
موسیقی	شیراز	لعله‌گاه	سدرقه	جنون	طبیعت	حوادث	حوزه	ترنسمی

آپارات

## وای از قیمت بیداری (استاد شیخ حسین انصاریان)

۱۴۰۹

دی

۳۶



دارالعرفان

موسسه دارالعرفان  
مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان